

جزوه حقوق بین الملل عمومی ۳

دکتر فاطمه بینازاده

(پژوهشگر حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه)

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

لینک کانال تلگرام مدرس (امید ملاکریمی):

[@omidmollakarimi](https://t.me/omidmollakarimi)

اینستاگرام: vekalatyar

حقوق بین الملل دریاها

۱. مناطق تحت حاکمیت Sovereignty

۲. مناطق تحت حقوق حاکمه Sovereign Right

۳. دریای آزاد _ بستر دریا

مناطق دریایی به طور کلی به سه دسته تقسیم می شوند: ۱. مناطق تحت حاکمیت دولت ساحلی (sovereignty) شامل آب های داخلی، دریای سرزمینی و آب های مجمع الجزایری؛ ۲. مناطق تحت حقوق حاکمه (sovereign right) شامل منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره؛ ۳. مناطق خاص شامل دریای آزاد و بستر دریاها.

آب های داخلی internal water

آب هایی هستند که در طرف خشکی خط مبدأ قرار می گیرند و شامل: دریاها، دریاچه ها، آب های واقع در بنادر، لنگرگاه ها، خلیج های کوچک و غیره می شود؛ به عبارت دیگر، آب های داخلی آب های واقع بین ساحل و خط مبدأ دریای سرزمینی است. نکته: دولت نسبت به آب های داخلی حاکمیت مطلق دارد.

خط مبدأ یا Base line مبنای تعیین حدود مناطق دریایی است. خط مبدأ خطی است که حد فاصل بین خشکی و دریا را مشخص می کند. خط مبدأ دو نوع است: ۱. خط مبدأ عادی که خط پست ترین جذر آب در امتداد ساحل است و این خط مبدأ در ساحلی رسم می شود که نسبتاً صاف و پیوست باشد؛ ۲. خط مبدأ مستقیم یا مصنوعی که در سواحل مُضَرَّس و دندانه دار مورد استفاده قرار می گیرد و عبارت است از خطی که پیشرفته ترین نقاط در ساحل یا دورترین جزیره در دریا را مشخص می کند. **نکته:** معمولاً کشورها تمایل دارند از خط مبدأ مستقیم استفاده کنند؛ به دلیل اینکه اجازه می دهد آب های داخلی آنها افزایش پیدا کند. **خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان** خط مبدأ مستقیم است اما در تنگه هرمز خط مبدأ عادی است.

اصل بر آزادی ورود کشتی های تجاری خارجی به آب های داخلی است مگر اینکه دولت آن را مخل امتیّت خود بداند و در خصوص کشتی های جنگی خارجی اصولاً در زمان صلح ورود آنها به آب های داخلی آزاد است اما با اعلام قبلی امکان مسدود ساختن این آب ها با

تعیین شرایطی برای ورود میسر است و در این خصوص، دولت ساحلی موظف به رعایت اصل برابری در رفتار با دولت‌ها نیست. کشتی‌های تجاری و خصوصی خارجی واقع در آب‌های داخلی، تابع مقررات دولت ساحلی هستند. کشتی‌های جنگی، تابع قوانین و مقررات کشور متبوع خود می‌باشند و در آب‌های داخلی یک کشور از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی استفاده می‌کنند. مثلاً مصونیت از ضبط، توقیف و مصونیت مالیاتی و گمرکی و مصونیت قضایی. نکته: **اصولاً کشتی جنگی از قضاوت مدنی کشور ساحلی مصون است و در خصوص دعاوی مدنی ناشی از خدمات عمومی و رسمی عدم صلاحیت دادگاه‌های ساحلی مُسَلَّم است؛** اما اگر دعاوی مدنی از خدمات غیررسمی ناشی شده باشد صلاحیت با دادگاه‌های دولت ساحلی است. همچنین کشتی جنگی از قضاوت کیفری دولت ساحلی مصون است. نکته: اگر یک مجرم عادی به یک کشتی جنگی خارجی پناهنده شود فرمانده آن کشتی ملزم به تحویل آن مجرم به مقامات ذی صلاح است اما اگر مجرم سیاسی به کشتی جنگی خارجی پناهنده شود می‌تواند پناهنده را بپذیرد و در این صورت، درخواست دولت ساحلی را مبنی بر استرداد رد کند.

حق تعقیب فوری Hot pursuit

اگر کشتی‌های خارجی (کشتی خصوصی خارجی) در منطقه دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی یک کشور مرتکب جرمی شوند مثلاً قوانین و مقررات آن منطقه را نقض کنند کشتی‌های جنگی یا هواپیماهای دولت ساحلی می‌توانند این کشتی را تا دریای آزاد تعقیب و بازداشت کنند؛ ولی نمی‌توانند وارد دریای سرزمینی کشور دیگر بشوند.

آب‌های مجمع‌الجزایری: منطقه دریایی داخل خطوط مبدأ کشور مجمع‌الجزایری را آب‌های مجمع‌الجزایری می‌گویند. آب‌های مجمع‌الجزایری دو نوع‌اند: ۱. مجمع‌الجزایر ساحلی: یعنی مجمع‌الجزایری که متعلق به دولت ساحلی است؛ ۲. مجمع‌الجزایر اقیانوسی: یعنی چند جزیره و آب‌های واقع بین آنها تشکیل دهنده یک واحد جغرافیایی یا سیاسی است. کنوانسیون ۱۹۸۲: کشور مجمع‌الجزایری می‌تواند با استفاده از خطوط مبدأ مستقیم مجمع‌الجزایری دورترین نقاط پیشرفته‌ترین جزایر و صخره‌های مجمع‌الجزایر را به هم متصل کند. این خطوط به عنوان خطوط مبدأ محسوب می‌شوند.

کشورهای مجمع‌الجزایر دارای حاکمیت بر آب‌های مجمع‌الجزایری + بر بستر + زیربستر و فضای بالای مجمع‌الجزایر هستند و آن را اعمال می‌کند.

کنوانسیون ۱۹۸۲: حقوق سنتی ماهیگیری و سایر فعالیت‌های مشروع دول همسایه توسط کشور مجمع‌الجزایری به رسمیت شناخته خواهد شد.

اگر یک کشور مجمع‌الجزایری اقدام به تعیین مسیرهای هوایی و دریایی نکند حق عبور در مسیرهای دریایی مجمع‌الجزایری از طریق مسیرهای معمولی مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی می‌تواند اعمال شود.

منطقه مجاور یا نظارت Contiguous zone: منطقه‌ای از دریاست که در مجاورت دریای سرزمینی قرار گرفته و عرض آن از خط مبدأ حداکثر ۲۴ مایل (طبق کنوانسیون ۱۹۸۲) خواهد بود. کنوانسیون ۱۹۸۲، برخلاف کنوانسیون ۱۹۵۸، منطقه مجاور را بخشی از دریای آزاد ندانسته بلکه آن را جزء منطقه انحصاری اقتصادی می‌داند.

کنوانسیون ۱۹۵۸ می‌گه: بخشی از دریای آزاد / کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها می‌گه: منطقه‌ای مستقل با ماهیت خاص خودش است. (یعنی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها می‌گه: رژیم حقوقی جداگانه)

کنوانسیون ۱۹۵۸: منطقه مجاور قسمتی از دریای آزاد به عرض ۱۲ مایل از خط مبدأ می‌باشد.

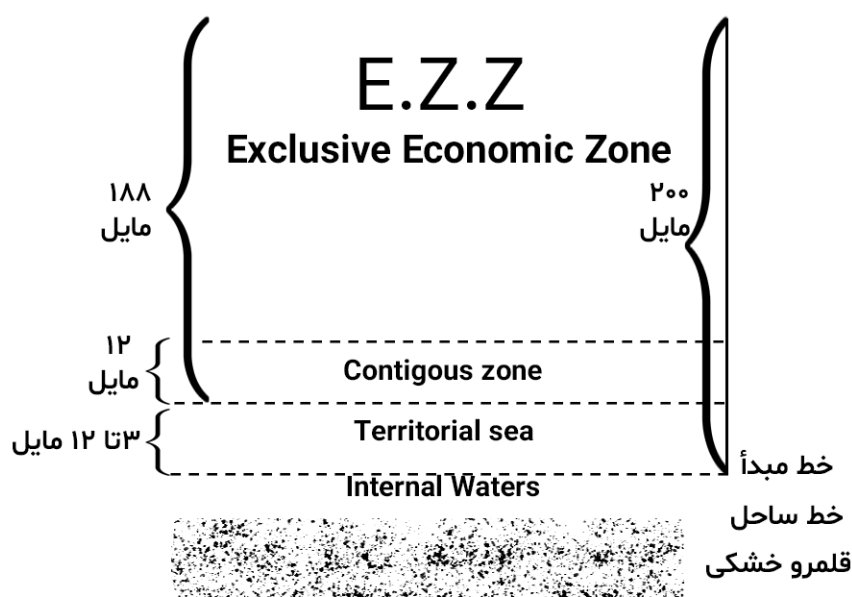
کنوانسیون ۱۹۸۲: منطقه مجاور منطقه‌ای مستقل با ماهیت خاص خودش است. (یعنی رژیم حقوقی جداگانه دارد)

صلاحیت کشور ساحلی در منطقه مجاور شامل صلاحیت مالی، امنیتی، مهاجرتی و بهداشتی است و دولت ساحلی می‌تواند در منطقه نظارت از نقض قوانین خود جلوگیری کند و در واقع امنیت منطقه را تأمین کند. ماهیت حقوقی منطقه مجاور با دریای سرزمینی دو تفاوت اساسی

دارد: ۱. منطقه مجاور هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ طبیعی جزء قلمرو دولت ساحلی نیست و بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ جزء دریای آزاد است و بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ قسمتی از منطقه انحصاری اقتصادی است، در حالی که دریای سرزمینی جزء قلمرو کشور ساحلی است؛ ۲. کشور ساحلی در دریای سرزمینی از صلاحیت کامل برخوردار است در حالی که در منطقه مجاور صلاحیت‌های آن خاص و مربوط به مجازات نقض قوانین مختلف می‌شود.

منطقه انحصاری - اقتصادی (E.E.Z) Exclusive Economic Zone

منطقه انحصاری - اقتصادی قسمتی از دریاست که با نظام حقوقی خاص خود در مجاورت دریای سرزمینی واقع شده و عرض آن از خط مبدأ از ۲۰۰ مایل تجاوز نخواهد کرد. عرض این منطقه تابعی از دریای سرزمینی است. منطقه انحصاری - اقتصادی از ابداعات کنفرانس سوم حقوق دریاهاست.



نکته: منطقه انحصاری اقتصادی نه ادامه‌ی دریای سرزمینی است نه دنباله‌ی دریای آزاد بلکه منطقه‌ای خاص می‌باشد که بین دریای سرزمینی و دریای آزاد قرار گرفته است.

تکالیف دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، عبارت است از حقوق ملل دیگر: ۱. آزادی کشتیرانی؛ ۲. آزادی پرواز؛ ۳. آزادی قرار دادن خطوط لوله و کابل.

نکته: در حالی که مقررات دولت ساحلی بر فراز آبهای داخلی و دریای سرزمینی قابل اجراست اما بر فراز منطقه انحصاری اقتصادی مقررات سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) قابل اجراست.

فلات قاره: آبهای واقع در روی فلات قاره جزء آبهای آزاد محسوب می‌گردد در خصوص فضای بالای فلات قاره باید گفت به استثنای آن قسمت که جزء دریای سرزمینی است بقیه، فضای هوایی آزاد بین‌المللی محسوب می‌گردد.

فلات قاره دو مفهوم دارد: ۱. **مفهوم جغرافیایی:** ۲. **مفهوم حقوقی.** از نظر جغرافیایی فلات قاره یعنی امتداد طبیعی سرزمین دولت ساحلی زیر آب تا زمانی که وارد اعماق دریا شود یعنی جایی که سرزمین شیب پیدا می‌کند و زیر آب می‌رود. **مفهوم حقوقی** یعنی اینکه فلات قاره شامل بستر و زیر بستر ماورای دریای سرزمینی تا عمق ۲۰۰ متر و یا تا جایی که آبهای روی منطقه امکان بهره‌برداری از بستر و زیر بستر دریا را می‌دهد.

نکته: فلات قاره «خود به خود» **Ipsa facto** متعلق به دولت ساحلی است. اصل بر فلات قاره است و نیاز به اعلام منطقه‌ای به عنوان فلات قاره از سوی دولت ساحلی نیست. بدون مجوز دولت ساحلی هیچ دولتی حق ندارد از منابع فلات قاره استفاده کند. در کنوانسیون ۱۹۸۲ حد ۲۰۰ مایل برای فلات قاره در نظر گرفته شده اما ممکن است تا ۳۵۰ مایل گسترش یابد.

تحدید حدود فلات قاره‌ی دو کشور همسایه: کنوانسیون ۱۹۸۲ سه راه‌حل ارائه داده است: ۱. انعقاد موافقت‌نامه؛ ۲. استفاده از خط مُنَصَّف؛ ۳. رعایت اوضاع و احوال خاص.

- **مهم‌ترین حقوق و تعهدات کشورهای ساحلی در منطقه‌ی فلات قاره عبارت‌اند از:** ۱- حقوق حاکم بر کلیه‌ی منابع طبیعی از قبیل اکتشاف و بهره‌برداری؛ ۲- حق ایجاد جزایر مصنوعی، تأسیسات و صلاحیت تام بر آنها؛ ۳- حق بهره‌برداری از فلات قاره با ایجاد دالان‌های زیرزمینی؛ ۴- حق انحصاری بهره‌برداری از منابع غیر جاندار در ماورای خط مبدأ دریای سرزمینی؛ ۵- حق ایجاد منطقه امنیتی؛ ۶- عدم لطمه به حقوق و آزادی‌های سایر کشورها.

- **حقوق و تکالیف کشورهای ثالث در منطقه فلات قاره**

۱- آزادی کشتیرانی؛ ۲- آزادی تعبیه خطوط لوله؛ ۳- عدم لطمه به حقوق و آزادی‌های کشور ساحلی؛ ۴- عدم لطمه به نظام حقوقی آب‌های فوقانی فلات قاره یا قلمرو هوایی آنها؛ ۵- عدم انجام اعمال غیرقانونی که امنیت منطقه را تهدید کند.

تفاوت منطقه انحصاری اقتصادی با فلات قاره: ۱. عرض فلات قاره ممکن است از ۲۰۰ مایل تجاوز کند در صورتی که عرض منطقه انحصاری اقتصادی حداکثر ۲۰۰ مایل است؛ ۲. حقوق کشور ساحلی در فلات قاره یک حقوق ذاتی است و نیاز به اعلام ندارد در حالی که حقوق دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی باید از سوی دولت ساحلی مورد ادعا واقع شود؛ ۳. آب‌های فوقانی فلات قاره در محدوده ۲۰۰ مایلی جزء منطقه انحصاری اقتصادی نیز محسوب می‌شود در صورتی که آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی ماهیت همان منطقه را دارد؛ ۴. بهره‌برداری از منطقه فلات قاره شامل منابع جاندار متحرک نمی‌شود؛ درحالی‌که منطقه انحصاری اقتصادی شامل کلیه منابع اعم از جاندار و بی‌جان و اعم از متحرک و غیرمتحرک می‌شود؛ ۵. در منطقه انحصاری اقتصادی تعهد به حفظ موجودات زنده وجود دارد در صورتی که این تعهد در منطقه فلات قاره وجود ندارد.

دریای آزاد

بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ شامل قسمت‌هایی از دریاها و اقیانوس‌هاست که جزء مناطق آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی برای دولت ساحلی نباشد. نکته: نظریه دریای آزاد یا آزادی دریاها اولین بار توسط گروسیوس در سال ۱۶۰۹ در کتاب دریای آزاد مطرح شد. آزادی دریای آزاد در کنوانسیون ۱۹۵۸ شامل موارد زیر است: ۱. آزادی کشتیرانی؛ ۲. آزادی صید؛ ۳. آزادی پرواز؛ ۴. آزادی قراردادن خطوط لوله؛ در کنوانسیون ۱۹۸۲ دو مورد دیگر به این آزادی‌ها اضافه شد: ۱. آزادی تحقیقات علمی؛ ۲. آزادی احداث جزایر مصنوعی و سایر تأسیسات.

در دریای آزاد، کشتی‌ها، تابع دولت صاحب پرچم هستند (یعنی غیر از دولت صاحب پرچم کسی نمی‌تونه با کشتی‌ها کار داشته باشه)؛ **آزادی دریای آزاد تابع استثنائاتی است:** ۱. حق تعقیب فوری یا ادامه‌ی تعقیب در دریای آزاد؛ ۲- دزدی دریایی یا **Piracy**: یعنی اعمالی که مثل توقیف یا غارتگری نسبت به کشتی یا هواپیما و یا افراد یا اموال موجود در آنها به منظور کسب منفعت شخصی یا انتقام‌جویی در دریای آزاد صورت می‌گیرد. (اهداف شخصی، منافع شخصی Private ends)؛ ۳. حق بازرسی یا تفتیش کشتی‌های خارجی: یعنی هنگام برخورد یک کشتی جنگی با یک کشتی خارجی ورود به آن مجاز نیست مگر اینکه دلایلی به شرح زیر موجود باشد: ۱. کشتی در حال ارتکاب دزدی دریایی باشد؛ ۲. کشتی در حال تجارت (حمل برده) باشد؛ ۳. کشتی در حال پخش غیرمجاز اموال باشد؛ ۴. کشتی فاقد تابعیت یا پرچم باشد؛ کشتی با وجود اینکه حامل یک پرچم خارجی است از برافراشتن آن خودداری کند؛ ۵- دفاع شخصی (دفاع از خود) در صورت خطر جدی ممکن است یک کشتی خارجی در دریای آزاد، عامل تهدید امنیت دولت ساحلی واقع شود

در این صورت کشور ساحلی برای دفاع از خود علیه کشتی تجاری وارد عمل می‌شود؛ ۶- محدودیت صید: یعنی کلیه‌ی دولت‌های صاحب پرچم رأساً یا با همکاری سایر دولت‌ها باید تدابیر لازم جهت حفاظت از منابع زنده‌ی دریای آزاد را اتخاذ کنند.

میراث مشترک بشریت Common heritage of mankind

عبارت است از اعماق دریاها و اقیانوس‌ها شامل بستر و زیر بستر آنها در ماورای فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی. برای نظارت بر منطقه میراث مشترک بشریت سازمانی ایجاد شده است. به نام سازمان بین‌المللی اعماق دریا «Authority» که این سازمان شامل ارکانی از جمله شورا، دبیرخانه، کمیته مالی و کارگزار می‌باشد. مقر این سازمان در جامائیکا می‌باشد و اعضای آن همان کشورهای عضو عهدنامه حقوق دریاها هستند. طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ این منطقه بین‌المللی و منابع آن، میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود.

مقام بین‌المللی بستر دریاها:

طبق کنوانسیون جدید حقوق دریاها کلیه فعالیت‌های مربوط به بستر دریاها واقع در ماورای صلاحیت ملی باید توسط مقام بین‌المللی بستر دریاها که در شهر کینگستون پایتخت جامائیکا تأسیس خواهد شد، تنظیم و کنترل شوند. طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از منابع بستر دریاها به طریق زیر صورت می‌گیرد:

الف - مستقیماً توسط خود مقام بین‌المللی: فعالیت‌های مربوط به منطقه می‌تواند با مشارکت مقام بین‌المللی و تحت نظارت وی به وسیله دولت‌های عضو کنوانسیون و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی تابع آنها یا تحت نظارت آنها یا اتباع آنها یا گروهی از دولت‌ها و مؤسسات صورت گیرد. مقام بین‌المللی دارای سه رکن است: مجمع، شورا و دبیرخانه.

ب - کارگزار بین‌المللی: طبق ماده ۱۷۰ کنوانسیون جدید حقوق دریاها «کارگزار بین‌المللی» مؤسسه تجاری بین‌المللی است که مسئولیت اکتشاف و استخراج منابع در بستر دریاها و همچنین انتقال و بازاریابی آن منابع را خواهد داشت.

ج - سرمایه‌گذاران پیشگام: بر اساس قطعنامه شماره ۲ کنوانسیون، فرانسه، هند، اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، ژاپن و چهار کنسرسیوم بین‌المللی متعلق به ۸ دولت صنعتی غرب و هر دولت در حال توسعه که در انجام تحقیقات علمی در زمینه کاوش و بهره‌برداری از منابع بستر دریاها پیش قدم بوده و تاکنون مبلغ ۳۰ میلیون دلار آمریکا را به این امر اختصاص داده است می‌تواند به شرط امضای کنوانسیون جهت ثبت نام خود به عنوان «سرمایه‌گذار پیشگام» نزد کمیسیون مقدماتی اقدام کند.

آبراه‌های بین‌المللی: رودها، تنگه‌ها و کانال‌های بین‌المللی

رود بین‌المللی: آبراهی است که قسمت‌های مختلف آن در قلمرو چند کشور واقع شده باشد و ممکن است یک رود، رود مرزی باشد که قلمرو دو یا چند کشور را از هم جدا می‌کند و یا رودی باشد که از قلمرو چند کشور می‌گذرد، بنابراین برای کشاورزی، ماهیگیری و یا منفعتی از این قبیل از آنها استفاده می‌کنند. اصل بر این است که کشورهای آبراهی، یعنی کشورهایی که قسمتی از یک رود بین‌المللی از آنها می‌گذرد باید با موافقت یکدیگر نظام حقوقی خاصی را بر آنها حاکم کنند. شناسایی حق استفاده کشورهای بر این رودها به شرطی است که بی‌ضرر باشد و موجب مسائل زیست‌محیطی و آلودگی منطقه نشود.

تنگه‌های بین‌المللی: دو نوع وجود دارد: عبور ترانزیت که خاص تنگه‌هایی است که قسمتی از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی را به بخشی دیگر از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی متصل می‌کند؛ اما عبور بی‌ضرر مخصوص تنگه‌هایی است که دریای سرزمینی یک کشور را به بخشی از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی متصل می‌کند. (میان عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی و تنگه‌ها یک فرق مهم وجود دارد: دولت ساحلی می‌تواند بدون تبعیض میان کشتی‌های خارجی عبور را در مناطق معینی از دریای سرزمینی خود معلق نماید در حالی که عبور بی‌ضرر در تنگه‌ها را نمی‌توان به حالت تعلیق در آورد.)

تعریف عبور بی ضرر: عبور بی ضرر یک مفهوم در کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهاست که به کشتی‌ها اجازه می‌دهد تا برای عبور از آبهای سرزمینی یک کشور دیگر بر اساس محدودیت‌های خاصی، عبور کند. تا زمانی که صلح، نظم یا امنیت کشور ساحلی به مخاطره نیافتد، عبور، بی ضرر است. چنین عبوری باید منطبق با این کنوانسیون و دیگر پیمان‌های حقوق بین‌الملل باشد.

عهدنامه ۱۹۳۶ مونترلو مربوط به تنگه‌های بسفر، داردانل (تنگه‌های تُرک) می‌باشد به موجب این عهدنامه:

۱. کشتی‌های تجاری در زمان صلح آزادی تردد دارند اما در زمان جنگ اگر ترکیه جزو طرفین درگیر نباشد، آزادی کشتیرانی وجود دارد مگر اینکه ترکیه طرف جنگ باشد.

۲. در زمان صلح عبور کلیه کشتی‌های جنگی آزاد است اما محدودیت‌هایی برای مدت اقامت نسبت به آنها تحمیل می‌شود در زمان جنگ نیز این آزادی وجود دارد به شرطی که ترکیه جزو طرفین درگیر نباشد و در صورتی که ترکیه طرف جنگ باشد با کشتی‌ها به گونه‌ای که صلاح بداند رفتار خواهد کرد.

خلیج تاریخی Historic bay خلیجی است که در مدت زمان طولانی در استفاده انحصاری یک کشور بوده است و دولت‌های دیگر اعتراضی به آن نکرده‌اند. در خلیج‌های تاریخی خطوط مبدأ به روش مستقیم ترسیم می‌شود.

خلیج‌های کوچک (خور): این خلیج‌ها آنهایی هستند که در مجاورت چند کشور قرار دارند و هم‌مرز با چند کشور می‌باشند. در این خلیج‌ها از خط مبدأ عادی استفاده می‌شود.

تنگه‌های مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی:

تعریف تنگه‌های بین‌المللی:

نخستین تعریف درباره تنگه‌های بین‌المللی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹ عبارت‌اند از: تنگه بین‌المللی آبراهی است که یک دریای آزاد را به دریای آزاد دیگری پیوند می‌دهد و از آن به منظور کشتیرانی بین‌المللی استفاده می‌شود.

قضیه تنگه کورفو:

در ۱۵ مه ۱۹۴۶ کشتی‌های جنگی انگلیسی هنگام عبور از تنگه کورفو در آب‌های ساحلی کشور آلبانی توسط آتشبارهای ساحلی آلبانی مورد حمله قرار گرفتند. در ۲۲ اکتبر همان سال دو کشتی جنگی انگلیسی هنگام عبور از تنگه مزبور با مین برخورد کردند و انفجار مین موجب وارد آمدن خسارت به کشتی‌ها و تلفات جانی شد.

در ۱۲ و ۱۳ نوامبر همان سال واحدهای نیروی دریایی انگلیس بدون رضایت دولت آلبانی مشغول پاک کردن مین‌ها در آب‌های آلبانی واقع در تنگه کورفو شدند. انگلستان درباره مسئله مین در تنگه کورفو به شورای امنیت شکایت کرد. شورای امنیت به طرفین توصیه کرد که به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.



در ابتدای رسیدگی به دعوا در دیوان، آلبانی به صلاحیت دیوان اعتراض کرد. موضوعی که دیوان باید به آن رسیدگی می کرد مربوط به مسئولیت آلبانی در مورد انفجار مین و همچنین مجاز بودن یا نبودن عمل انگلیس در محکومیت دولت آلبانی بر این اصل استوار بود که دولت آلبانی وظیفه داشته است خطر انفجار مین که عبور بی ضرر کشتی های کلیه کشورها را در تنگه کورفو تهدید می کرد کشتی های انگلیسی را مطلع کند دیوان با ۱۱ رأی در مقابل پنج رأی آلبانی را مسئول خسارت حاصل از انفجار مین تشخیص داد.

طبق کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو راجع به دریای سرزمینی و منطقه نظارت «تنگه بین‌المللی» را این‌گونه تعریف می‌نماید:

تنگه بین‌المللی آب روانی است که یک دریای آزاد را به دریای آزاد دیگر و یا به دریای سرزمینی کشور دیگر وصل می‌کند و از آن به منظور کشتیرانی بین‌المللی استفاده می‌شود.

بند ۴ ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ مقررات مربوط به عبور در تنگه‌ها را مشخص می‌کند:

عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی از تنگه‌هایی که برای کشتیرانی بین‌المللی بین بخشی از دریای آزاد و بخش دیگر از آن و یا دریایی سرزمینی یک دولت خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند غیرقابل تعلیق است.

ماده ۳۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ تنگه‌های مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی را که در آن حقوق ترانزیتی اعمال می‌شود به شرح زیر می‌داند:

تنگه‌هایی که یک دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی را به یک دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی دیگر پیوند می‌دهد و به منظور کشتیرانی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رژیم عبور ترانزیتی:

گرایش‌های مختلف در کنفرانس سوم حقوق دریاها در مورد عبور ترانزیتی:

الف- گرایش کشورهای اقیانوسی: کشورهای هم‌جوار اقیانوس‌ها از حق عبور ترانزیتی در تنگه‌های بین‌المللی دفاع می‌کنند.

ب- گرایش کشورهای هم‌جوار تنگه‌های بین‌المللی: به دلیل موقعیت جغرافیایی کشورها از لحاظ استراتژیک و امنیتی، این کشورها خواهان اعمال رژیم عبور بی‌ضرر از تنگه‌های بین‌المللی می‌باشند.

ج- گرایش کشورهای حاشیه دریاها یا نیمه بسته: این کشورها که هم‌جوار تنگه‌ها نیستند به لحاظ اینکه تنها راه ورودی این کشورها به دریای آزاد همان تنگه‌ها هستند خواهان اعمال عبور ترانزیتی در تنگه‌های بین‌المللی هستند.

حق عبور ترانزیتی دربرگیرنده دو مفهوم می‌باشد:

الف - آزادی کشتیرانی؛ ب- آزادی دریاها.

اما بر اساس مفاد ماده ۳۶، رژیم عبور ترانزیتی شامل سه مورد زیر می‌باشد:

۱- تنگه‌هایی که از طریق دریای آزاد یا منطقه اقتصادی انحصاری، مسیر سهل‌العبوری از لحاظ آب‌نگاری و کشتیرانی داشته باشند.

۲- تنگه‌هایی که بین سرزمین اصلی و جزیره متعلق به دولت ساحلی قرار دارد و از طریق راهی به همان سهولت از لحاظ دریانوردی به دریای آزاد یا منطقه اقتصادی انحصاری وجود داشته باشد.

۳- تنگه‌هایی که بخشی از دریای آزاد یا منطقه اقتصادی انحصاری را به دریای سرزمینی یک یا چند دولت متصل می‌کنند.

عبور ترانزیتی باید پیوسته و سریع باشد.

تقسیم‌بندی تنگه‌ها از دیدگاه کنوانسیون ۱۹۸۲:

۱ - تنگه‌هایی که یک منطقه دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی را به یک دریای آزاد یا یک منطقه انحصاری اقتصادی پیوند می‌دهند. اصل آزادی کشتیرانی و حق عبور ترانزیتی در اینگونه تنگه‌ها اعمال می‌شود.

۲- تنگه‌هایی که یک دریای آزاد یا یک منطقه انحصاری اقتصادی را به دریای سرزمینی یک کشور بیگانه پیوند می‌دهد در این تنگه‌ها حق عبور بی‌ضرر اعمال می‌شود.

۳- تنگه‌های تابع رژیم حقوقی خاص مانند تنگه‌های داردانل، بسفر، تنگه‌های دانمارک، جبل الطارق، باب المندب و ...

۴- تنگه‌هایی که به واسطه یک جزیره کشوری ساحلی و قلمرو قاره‌ای آن به وجود آمده است در این تنگه عبور بی‌ضرر اعمال می‌شود.

۵- تنگه‌هایی که در قسمت میانی آنها راهروی به عنوان دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی قرار دارد به طوری که راهروی مذکور واجد مشخصات آب‌شناسی مناسب برای کشتیرانی بین‌المللی است. در این تنگه‌ها نیز حق عبور بی‌ضرر می‌شود.

قلمرو هوایی

سیر تکاملی قواعد حقوق هوایی:

این سیر شامل سه مقطع می‌شود:

۱. حقوق هوایی پیش از جنگ جهانی اول ۱۹۱۴

۲. حقوق هوایی بین دو جنگ جهانی اول و دوم

۳. حقوق هوایی از جنگ جهانی دوم به بعد

۱- نخستین قاعده حقوق هوایی را می‌توان در حقوق کلاسیک روم یافت. طبق حقوق روم کسی که مالک زمین است، مالک آسمان آن نیز هست. در اواخر قرن هجدهم در سال ۱۷۸۴ فرمانده انتظامی پاریس با صدور اطلاعیه‌ای پرواز بال‌ها را بدون کسب اجازه قبلی بر فراز شهر پاریس ممنوع اعلام کرد. در سال ۱۸۱۹ در کشور فرانسه مقرراتی راجع به ممنوعیت پرواز بال‌ها در زمان برداشت محصول و منع پرواز بدون چتر نجات پیش‌بینی شد. شورای شهر فلوریدا نیز در سال ۱۹۰۸ نخستین مقررات حمل و نقل هوایی را وضع کرد. اولین مقررات گمرکی هوانوردی نیز برای اخذ عوارض از بالون‌های خارجی در سال ۱۹۰۹ در فرانسه به تصویب رسید. هرچند نخستین پرواز هواپیما توسط برادران رایت در سال ۱۹۰۳ صورت گرفت، از زمان پرواز Bleriot بر فراز مانش در سال ۱۹۰۹، ضرورت تدوین مقررات هوایی به طور جدی احساس شد. دولت فرانسه در سال ۱۹۱۰ به منظور تهیه و تنظیم مقررات هوایی یک کنفرانس بین‌المللی تشکیل داد که با مخالفت دولت انگلستان روبرو شد.

۲- در خلال جنگ جهانی اول استفاده از هواپیما در عملیات نظامی اهمیت خاصی یافت و نگرانی‌هایی را برای دول اروپایی به وجود آورد. به منظور قانونمند ساختن استفاده از قلمرو هوایی، کنوانسیون‌های متعددی بین دو جنگ جهانی به تصویب رسید. این کنوانسیون‌ها شامل:

۱. کنوانسیون پاریس ۱۹۱۹

۲. کنوانسیون ایرو امریکن ۱۹۲۶

۳. کنوانسیون پان امریکن ۱۹۲۸

۴. کنوانسیون بهداشتی ۱۹۳۳

اصول کنوانسیون پاریس عبارت بود از:

اول. هر دولتی در فضای هوایی ماوراء قلمروی خود حاکمیت کامل دارد. بر خلاف نظریه آزادی هوا، این اصل باعث تحکیم و تثبیت حکومت دولت بر قلمرو هوایی خود شد.

دوم. آزادی عبور بی‌ضرر هواپیمای یک دولت طرف معاهده، بر فراز قلمروی هوایی دیگر اطراف معاهده و حق استفاده از فرودگاه‌های آن دولت‌ها. البته این آزادی نامحدود نیست.

سوم. با توجه به دلایل نظامی یا بنا به مصالح امنیتی ممکن است هواپیما از پرواز بر فراز مناطق خاصی در قلمروی یک کشور منع شود که در این صورت تبعیضی بین هواپیماهای خودی و بیگانه در بین نخواهد بود.

چهارم. هواپیمای دول غیر عضو، اجازه ورود به قلمروی هوایی دول عضو را نداشتند. این قاعده به زودی با پروتکل ۲۷ اکتبر ۱۹۲۹ اصلاح شد زیرا بسیاری از دولت‌ها از تصویب این کنوانسیون به خاطر محدودیت‌هایی که در قدرت مذاکره و بده‌بستان آنها با دیگر دولت‌ها به وجود می‌آورد راضی نبودند و از تصویب کنوانسیون خودداری نمودند.

پنجم. وضع قواعد متحدالشکل و اجباری در مورد امنیت هوانوردی و پرواز.

ششم. تدوین قواعد جدید در زمینه‌های مختلف: ثبت هواپیما، گواهینامه قابلیت پرواز، گواهینامه‌های صلاحیت، مدارک و مجوزهای مربوط به خدمه پرواز، کابوتاژ و ...

۳- در خلال جنگ جهانی دوم، دولت ایالات متحده آمریکا پیشرفت غیر قابل وصفی در زمینه صنعت هواپیماسازی و گسترش خطوط تجاری به دست آورد و به منظور تدوین مقررات جامعی در زمینه هوانوردی، پیش از خاتمه جنگ، از کلیه دولت‌ها برای شرکت در یک کنفرانس بین‌المللی دعوت به عمل آورد.

این کنوانسیون که به کنوانسیون شیکاگو شهرت دارد در مورد هواپیمایی بین‌المللی کشوری است.

علاوه بر این معاهداتی در مورد امنیت هواپیما و پرواز به تصویب رسید که عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو راجع به جرائم و برخی از اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما / کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما. کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری.

کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری:

این کنوانسیون در ۴ بخش است که بخش اول آن اصول کلی ناظر بر هوانوردی؛ بخش دوم. سازمان هواپیمایی کشوری.

بخش سوم. حمل و نقل هوایی بین‌المللی و بالاخره بخش چهارم مقررات نهایی است.

اصول ناظر بر هوانوردی

اصل مهم پیش‌بینی‌شده در بخش اول کنوانسیون شیکاگو، آزادی پرواز بر قلمروی دول متعاقد و فرود در فرودگاه‌های آنها است. البته کنوانسیون مذکور در این زمینه بین پروازهای برنامه‌ای و پروازهای غیربرنامه‌ای تفاوت قائل شده است. پروازهای غیربرنامه پروازهای نامنظمی هستند که بنا بر ضرورت برای یک بار یا چند بار صورت می‌گیرند. این پروازها برخلاف پروازهای برنامه‌ای این امتیاز را دارند که می‌توانند بدون کسب اجازه قبلی وارد قلمرو هوایی یکی از دول متعاقد شوند.

البته این پروازها مانند سایر پروازها باید با رعایت مقررات و قوانین دولت محل عبور، صورت گیرد.

اما پروازهای برنامه‌ای مربوط به سرویس‌های منظم هوایی بین‌المللی می‌شود. اینگونه پروازها صرفاً پس از کسب اجازه قبلی از دولت مقصد و یا با انعقاد موافقت‌نامه خاص با آن دولت صورت می‌گیرد.

دولت‌های طرف کنوانسیون شیکاگو می‌توانند به موجب اختیاراتی که کنوانسیون مذکور به آنها اعطا کرده است، محدودیت‌هایی برای پرواز و تردد هوایی به وجود آورند. عمده‌ترین محدودیت‌ها عبارتند از:

- تعیین محل فرود و مسیر عبور از فراز قلمرو هوایی کشور؛
- انحصار کابوتاژ؛
- منع پرواز هواپیماهای بدون خلبان مگر با کسب اجازه قبلی؛
- منع حمل مهمات و لوازم جنگی و هرگونه شیء که مغایر نظم عمومی کشور باشد.

سازمان هواپیمایی بین‌المللی کشوری (ایکائو)

این سازمان بر اساس بخش دوم کنوانسیون شیکاگو تشکیل شده است. ایکائو رسماً در ۴ آوریل ۱۹۴۷ اعلام موجودیت کرد و بنا به درخواست دولت کانادا، مونترال به عنوان مقر اصلی این سازمان انتخاب شد، مطابق ماده ۴۴ کنوانسیون شیکاگو اهداف سازمان ایکائو که عبارتند از:

توسعه اصول و تکنیک‌های ناوبری هوایی بین‌المللی، تقویت، توسعه و پیشرفت حمل و نقل هوایی بین‌المللی به گونه‌ای که امور زیر محقق گردد:

۱. تضمین ایمنی پرواز و گسترش منظم هواپیمایی کشوری در سراسر جهان؛
۲. تشویق هنرهای طراحی هواپیما و به کارگیری آن در مقاصد صلح‌جویانه؛
۳. تشویق به توسعه راه‌های هوایی، فرودگاه‌ها و دستگاه‌های ناوبری هوایی جهت هواپیمایی بین‌المللی کشوری؛
۴. بررسی احتیاجات مردم جهان در جهت ایمنی پرواز، ایجاد نظم و ترتیب و مقرون به صرفه بودن حمل و نقل هوایی؛
۵. بالا بردن درجه ایمنی پرواز در امور هوانوردی بین‌المللی و ...

موافقت‌نامه سرویس‌های ترانزیت هوایی بین‌المللی:

طبق این موافقت‌نامه دولت‌های عضو متعهد شدند آزادی‌های غیرتجاری را برای پروازهای منظم دیگر دولت‌های عضو تضمین کنند. در این موافقت‌نامه دو آزادی وجود دارد:

۱. آزادی پرواز از قلمرو هر یک از دولت‌های عضو بدون فرود آمدن؛
۲. آزادی فرود آمدن در فرودگاه‌های معین شده دولت‌های عضو به منظور سوخت‌گیری و تعمیر.

موافقت‌نامه حمل و نقل هوایی بین‌المللی

در این موافقت‌نامه پنج آزادی در زمینه حمل و نقل هوایی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است:

۱. آزادی پرواز از قلمرو هر یک از دولت‌های عضو بدون فرود آمدن.

۲. آزادی فرود آمدن در فرودگاه‌های معین شده دولت‌های عضو به منظور سوخت‌گیری و تعمیر.
۳. حق پیاده کردن مسافر، بار و محمولات پستی بارگیری شده از کشوری که هواپیما تابعیت آن را دارد به کشور دیگر.
۴. حق سوار کردن مسافر یا بارگیری کالا و محمولات پستی به مقصد سرزمین دولتی که هواپیما تابعیت آن را دارد.
۵. حق سوار کردن مسافر و بارگیری کالا و محمولات پستی و همچنین پیاده کردن مسافر و تخلیه کالا و محمولات پستی از فرودگاه هر یک از دولت‌های عضو فرودگاه دیگر کشورهای عضو.

کنوانسیون‌های امنیتی هواپیمایی:

۱. کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما؛
۲. کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما؛
۳. کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری.

*کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو راجع به جرائم و برخی از اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما:

- این کنوانسیون به منظور تعیین صلاحیت دولت‌ها در مورد جرائم ارتكابی در هواپیما و همچنین تعیین وظایف و مسؤولیت فرمانده هواپیما تهیه و تنظیم شد. کنوانسیون صرفاً مربوط به هواپیمای کشوری خواهد بود.
- دولت عضوی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد، نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت اجرایی خود در مورد جرم ارتكاب شده داخل هواپیما مداخله کند مگر در موارد زیر:
۱. جرم، در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند؛
 ۲. جرم، توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا متفقین دائمی آن ارتكاب یافته باشد؛
 ۳. جرم، امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد؛
 ۴. جرم، ناقض قواعد و مقررات جاری آن دولت ناظر به پرواز یا مانور هواپیما باشد؛
 ۵. اعمال صلاحیت برای رعایت تهدیدات ناشی از یک موافقت‌نامه چندجانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری باشد.

* کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما:

- کنوانسیون مذکور فقط شامل مواردی است که محلّ برخاست و یا فرود واقعی هواپیمایی که در آن جرم واقع شده است خارج از قلمرو دولت ثبت‌کننده آن هواپیما باشد، اعم از این که هواپیما پرواز بین‌المللی یا داخلی انجام دهد. تنها در موردی که محلّ برخاست یا فرود هواپیما، فرودگاهی غیر از فرودگاه دولت ثبت‌کننده هواپیما باشد، مفاد این کنوانسیون اجرا خواهد شد.
- بنابراین چنانچه هواپیمای ربنوده شده از فرودگاه دولت متبوع ثبت‌کننده هواپیما، پرواز کند و در فرودگاهی واقع در قلمرو دولت ثبت‌کننده هواپیما فرود آید مفاد کنوانسیون مجرا نخواهد بود و عمل مرتکب مطابق قوانین داخلی دولت ثبت‌کننده بررسی خواهد شد.

* کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری:

ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری را به شرح زیر بیان می‌کند:

۱. هر کس بر خلاف قانون و عمداً مرتکب اعمال زیر شود مجرم شناخته می‌شود:

الف- علیه سرنشین هواپیمای در حال پرواز به عمل خشونت‌آمیزی مبادرت کند که طبیعت آن عمل امنیت هواپیما را به مخاطره اندازد؛

ب- هواپیمای در حال خدمت را از بین ببرد یا به این هواپیما خسارتی وارد سازد؛

ج- به نحوی از انحاء، دستگاه یا موادی در هواپیمای در حال خدمت قرار دهد یا وسیله قرار دادن آن شود که موجب از بین رفتن هواپیما شده یا مسبب خساراتی شود که پرواز آن را غیرمقدور سازد و یا طبیعت اعمال مزبور امنیت هواپیمای در حین پرواز را به مخاطره اندازد؛

د- تأسیسات یا سرویس‌های هوانوردی را از بین ببرد و یا آسیب برساند یا کار آنها را مختل سازد و یا طبیعت هر یک از این اعمال، امنیت هواپیمایی در حال پرواز را به مخاطره اندازد؛

ه- با علم به مجعول بودن، اطلاعاتی را در دسترس بگذارد که در اثر آن امنیت هواپیمای در حال پرواز به مخاطره افتد.

۲. همچنین هر کس به اعمال زیر مبادرت کند مرتکب جرم می‌شود:

الف- ارتکاب هر یک از جرائم مذکور در بند یک ماده حاضر را شروع کند؛

ب- شریک جرم شخصی باشد که این اعمال را مرتکب شود و یا ارتکاب آنها را شروع کند.

• حقوق حاکم بر فضای ماورای جو و کرات آسمانی

سیر تکاملی قواعد حقوق فضا

نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو چند سال پس از پایان جنگ جهانی دوم زمانی که نخستین قمر مصنوعی اتحاد جماهیر شوروی سابق به نام اسپوتنیک در اکتبر ۱۹۵۷ به فضا پرتاب شد، مطرح شد (قمر مصنوعی: فضایی که به مدار کره زمین یا سیاره دیگر پرتاب شود). جالب توجه است که ضمن پرتاب سفاین، ماهواره‌ها و موشک‌ها از فراز کشورهای مختلف، هیچ یک از آنها به پرتاب این وسایل اعتراض نکرده و چنین اقداماتی را مغایر حاکمیت کشورها ندانسته‌اند. عدم اعتراض کشورها سبب شد تا اصل آزادی فضا به عنوان یکی از قواعد بنیادین حقوق فضا مورد شناسایی قرار گیرد.

شکل‌گیری قواعد حقوق فضا از لحاظ تاریخی به چهار مرحله می‌توان تقسیم کرد:

مرحله اول: با صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آغاز شد.

نخستین گام در جهت تدوین قواعد حقوق فضا توسط مجمع عمومی برداشته شد. مجمع عمومی، یک ماه پس از پرتاب اسپوتنیک توسط شوروی، ضمن صدور قطعنامه‌ای در نوامبر ۱۹۵۷ خطرات استفاده نظامی از قلمرو فضایی را یادآور شد و اعلام نمود پرتاب اشیاء به فضا باید صرفاً برای مقاصد صلح‌جویانه صورت گیرد. یک سال بعد مجمع عمومی با صدور اعلامیه‌ای مبادرت به تأسیس کمیته سازمان ملل برای استفاده صلح‌آمیز از فضا کرد. در سال ۱۹۶۱ نیز قطعنامه‌ای مبنی بر شناسایی اصل آزادی فضا از تصویب مجمع عمومی گذشت؛ و بالاخره در این مرحله، قطعنامه راجع به منع پرتاب این سفاین فضایی حامل سلاح‌های هسته‌ای و دیگری سلاح‌های مخرب دسته‌جمعی مورد تصویب مجمع عمومی قرار گرفت.

مرحله دوم: سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ در بر می‌گیرد که به انعقاد ۵ معاهده از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد منجر شد:

۱. کنوانسیون راجع به اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در امر کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، مصوب ۱۹۶۷

۲. موافقت‌نامه راجع به نجات و بازگشت فضانوردان و إعادة اجسام پرتاب‌شده به فضای ماورای جو، مصوب ۱۹۶۸

۳. کنوانسیون راجع به مسؤولیت بین‌المللی در مورد خسارت ناشی از اجسام فضایی، مصوب ۱۹۷۲

۴. کنوانسیون راجع به ثبت اشیای پرتاب‌شده به ماورای جو، مصوب ۱۹۷۴

۵. موافقت‌نامه راجع به فعالیت دولت‌ها در ماه و سایر کرات آسمانی، مصوب ۱۹۷۹

مرحله سوم: تدوین قواعد حقوق فضا (۱۹۷۹-۱۹۸۶) را مرحله زکود قانونگذاری فضایی می‌توان توصیف کرد، زیرا در این مقطع تاریخی اختلاف‌نظر بین کشورهای توسعه‌یافته صنعتی در این زمینه به طور محسوسی بروز کرده بود. در این دوره فقط دو قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

مرحله چهارم: دارای مشخصات خاصی است که آنها را به موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

خصوصی‌سازی و تجاری‌کردن فعالیت‌های فضایی، پیدایش سازمان‌های جدید فضایی، تقویت همکاری کشورهای درحال توسعه در زمینه فعالیت‌های فضایی.

• تعریف فضای ماورای جو و حدود آن

تعریف فضای ماورای جو و تعیین حدود آن از عمده‌ترین مسائلی است که حقوق فضا با آن روبرو است زیرا هیچ یک از معاهدات بین‌المللی حتی کنوانسیون ۱۹۶۷ راجع به اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در امر کاوش و استفاده از فضای ماورای جو قاعده‌ای را درباره حد فاصل قلمرو هوایی و قلمرو فضایی وضع نکرده است.

نظام حقوقی حاکم بر قلمرو فضایی

اصل حاکم بر قلمرو فضایی «اصل آزادی فضا» است. آزادی فضا نیز به نوبه خود متضمن ۳ آزادی زیر است:

۱. آزادی کاوش و بهره‌برداری؛

۲. آزادی ارتباطات از راه دور؛

۳. آزادی نظارت و سنجش از راه دور.

بند اول: آزادی کاوش و بهره‌برداری

فضای ماورای جو و کرات آسمانی همانند دریای آزاد نمی‌تواند تحت تملک دولت‌ها قرار گیرد، به عبارت دیگر فضای ماورای جو مانند قلمرو دریای آزاد مال مشاع یا مشترک است و کلیه دولت‌ها می‌توانند قانوناً به طور مساوی از قلمرو فضای استفاده کنند.

از آنجا که کلیه قواعد حقوق بین‌الملل عمومی و مقررات منشور ملل متحد قابل اعمال در قلمرو فضایی است، این مقررات محدودیت‌هایی را برای آزادی فضا به شرح زیر به وجود آورده است:

۱. استفاده مسالمت‌آمیز از فضا: طبق کنوانسیون ۱۹۶۷ هرگونه استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی در فضا و کرات آسمانی ممنوع است.

۲. استفاده از قلمروی فضایی در جهت مصالح همگانی: طبق بند یک ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۷ کاوش و بهره‌برداری از فضا از جمله ماه و سایر کرات آسمانی باید در جهت مصالح همگانی و منافع کلیه دولت‌ها بدون در نظر گرفتن میزان توسعه اقتصادی و علمی آنها صورت گیرد.

۳. استفاده در جهت فعالیت‌های غیر زیان‌بار: طبق کنوانسیون ۱۹۶۷، فعالیت فضایی نباید دارای آثار مخرب برای محیط زیست باشد. چنانچه دولتی مایل به انجام فعالیتی در فضا باشد و احتمال دهد که آن فعالیت برای سایر دولت‌ها مخرب و زیان‌بار خواهد بود، باید قبل از هر اقدامی با دولت‌های مربوط وارد مذاکره شود.

بند دوم: آزادی ارتباط از راه دور

این آزادی اساساً شامل فعالیت دولت‌ها در زمینه انتقال پیام‌های تلفنی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها به کره زمین است. در حال حاضر، تمام کره زمین تحت پوشش ماهواره‌های ارتباطی قرار گرفته است. این ارتباطات طبق مقررات کنوانسیون جهانی ارتباطات از راه دور انجام می‌گیرد و سازمان جهانی ارتباطات از راه دور نیز بر آن نظارت دارد.

از جمله اقدامات مهمی که در زمینه ارتباطات ماهواره‌ای صورت گرفته: سیستم تجاری بین‌المللی ارتباطات از راه دور (اینترنت سات) است که در سال ۱۹۶۴ توسط ایالات متحده آمریکا ایجاد شد. این سیستم توسط شرکت کام سات اداره می‌شود که خود نیز شعبه‌ای از شرکت مخابرات و تلگراف آمریکا است. در حال حاضر، بیش از یک‌صد دولت، عضو اینترنت سات هستند و دولت‌های عضو می‌توانند با پرداخت مبلغی ماهواره‌های متعلق به اینترنت سات را به اجاره خود درآورده، مورد استفاده قرار دهند.

بند سوم: آزادی نظارت و سنجش از راه دور

به طور کلی، نظارت از راه دور از طریق ماهواره‌های مصنوعی در سه زمینه صورت می‌گیرد:

۱. تحقیقات هواشناسی؛

۲. هدایت و کمک‌رسانی به کشتیرانی؛

۳. تجسس از راه دور.

در دو مورد اول اختلاف‌نظری بین دولت‌ها وجود ندارد و همکاری دولت‌ها در زمینه مسائل هواشناسی در چارچوب سازمان بین‌المللی هواشناسی و در زمینه کشتیرانی در چارچوب سازمان بین‌المللی دریانوردی انجام می‌گیرد.

مسئله مورد اختلاف نظر دولت‌ها، فعالیت‌های مربوط به تجسس از راه دور و نظارت بر کره زمین است. با پیشرفت تکنولوژی ساخت ماهواره‌ها، کلیه اطلاعات نظامی، صنعتی و جغرافیایی و ... دولت‌ها قابل دسترسی برای دولت‌های دارنده ماهواره‌های جاسوسی شده است، به همین دلیل کشورهای در حال توسعه با این نوع فعالیت‌ها در فضا، مخالفت کرده و به سازمان ملل متحد وضع مقررات بین‌المللی دقیقی را در این زمینه پیشنهاد داده‌اند.

- اعمال صلاحیت‌های دولتی در فضا و کرات آسمانی

طبق کنوانسیون‌های «۱۹۶۷ و ۱۹۵۷» هر وسیله فضایی، متعلق به دولت محل ثبت است و دولت محل ثبت، دولت پرتاب‌کننده به شمار می‌آید. دولت پرتاب‌کننده به دولتی اطلاق می‌شود که وسیله فضایی را پرتاب کند یا سرزمین یا تأسیسات آن برای پرتاب، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

• پیشینه تاریخی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

روش‌های حل و فصل اختلافات در مفهوم جدید کلمه از اواخر قرن هجدهم و با انعقاد معاهده جی بین ایالات متحده آمریکا و انگلستان (۱۷۹۴) مطرح شد. بر اساس معاهده جی سه دادگاه داوری تشکیل شد که از آن جمله به داوری مربوط به قضیه مشهور آلاباما می‌توان اشاره کرد.

کنوانسیون‌های متعددی که در کنفرانس‌های لاهه به تصویب رسید همگی به شیوه‌های مسالمت‌آمیزی، حل اختلافات مانند مساعی جمیل، میانجیگری، تشکیل کمیسیون تحقیق و ... اشاره دارند. دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ به عنوان یک رکن مستقل از جامعه ملل تأسیس شد، دوسوم اعضای جامعه، صلاحیت دیوان دائمی را پذیرفتند که این خود نشانگر اهمیت کشورها به حل و فصل قضایی اختلافات خود بود. بعد از تشکیل سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری (رکن قضایی سازمان) ایجاد شد ولی کشورها با اتخاذ تدابیری صلاحیت دیوان را محدود کرده‌اند. از مجموعه کشورهای جهان تقریباً یک‌سوم کشورها (کمتر از ۶۰ کشور) با صدور اعلامیه‌هایی صلاحیت دیوان را پذیرفته‌اند که از میان اعضای دائم شورای امنیت فقط دولت انگلستان از جمله پذیرفتگان صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری است.

* منابع مربوط به روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

۱. منشور ملل متحد:

فصل ششم منشور اختصاصاً به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اختصاص یافته است.

همچنین شورای امنیت ملزم است روش‌هایی را که طرفین دعوا خود قبلاً برای حل و فصل قبول کردند مورد توجه قرار دهد.

۲. قطعنامه‌های مجمع عمومی:

تاکنون چهار قطعنامه در زمینه روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی به تصویب مجمع عمومی رسیده‌اند:

۱. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها طبق منشور ملل متحد؛

۲. اعلامیه مانیل در مورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات؛

۳. قطعنامه مربوط به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی؛

۴. برنامه مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

۳. معاهدات بین‌المللی:

پیمان عمومی ۱۹۲۸ راجع به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مصوب جامعه ملل، نخستین سندی است که رجوع به روش‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات بین کشورها را الزامی می‌سازد. پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از معاهدات بین‌المللی قاعده‌ساز، توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف خصوصاً رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه پیش‌بینی شده است.

تعریف و ماهیت اختلاف بین‌المللی

- تعریف اختلاف بین‌المللی

دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ماورماتیس ۱۹۲۴ اختلاف بین‌المللی را به صورت زیر تعریف می‌کند: اختلاف بین‌المللی عبارت است از عدم توافق در مورد موضوع حقی و یا یک واقعیت و یا تضاد در دیدگاه‌های حقوقی یا منافع بین دو شخص است. این تعریف، خالی از اشکال نیست زیرا به وسیله آن «اختلافات بین‌المللی» را از «اختلافات داخلی» نمی‌توان تمیز داد.

- ماهیت اختلافات بین‌المللی

اختلافات بین‌المللی اصولاً از حیث ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند: اختلافات حقوقی و اختلافات سیاسی.

اختلافات حقوقی به اختلافات مربوط به حق موجود و یا مسائل مربوط به تفسیر و اجرای آن گفته می‌شود. حلّ اینگونه اختلافات بر اساس قواعد حقوقی صورت می‌گیرد.

طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلافات زیر جنبه قضایی داشته، اختلافات حقوقی محسوب می‌شوند:

- تفسیر یک معاهده.

- هر مساله مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی.

- وجود هر واقعیتی که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب شود.

- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

اختلافات فوق با رجوع به قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل و از طریق داوری و یا دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل می‌شوند.

اختلاف سیاسی به اختلافی اطلاق می‌شود که در آن یکی از طرفین دعوا خواهان تغییر و یا اصلاح وضع موجود است. این اختلافات تنها از طریق شیوه‌های سیاسی حل و فصل اختلافات یعنی مذاکره و سازش، میانجیگری و... قابل حل و فصل است.

• روش‌های سیاسی حلّ و فصل اختلافات بین‌المللی

این روش‌ها شامل: مذاکره، مساعی جمیله (پایمردی)، میانجیگری، تحقیق و سازش است.

• مذاکره

مفهوم مذاکره و ویژگی‌های آن:

مذاکره از رایج‌ترین شیوه‌های مسالمت‌آمیز حلّ اختلافات بین‌المللی است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آن را روش دوستانه و مستقیم که به طور جهانی پذیرفته شده است توصیف می‌کند. مذاکره نخستین گام و مقدمه توسل به دیگر روش‌های حلّ مسالمت‌آمیز اختلافات است و پیش از اینکه یک اختلاف، موضوع یک اقدام حقوقی قرار گیرد، در ابتدا باید موضوع را از طریق مذاکرات دیپلماتیک حلّ و فصل کرد.

اعلامیه ماینل راجع به حلّ و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی دو ویژگی را برای مذاکره بر شمرده است: انعطاف‌پذیری و مؤثر بودن.

مذاکره به عنوان یک روش انعطاف‌پذیر مناسب‌ترین روش در کلیه اختلافات اعم از سیاسی، حقوقی، تجاری و فنی است. همچنین مذاکره، روشی کارآمد و مؤثر در حلّ اختلافات به شمار می‌آید.

مفهوم مذاکره را باید از دو مفهوم مشورت و تبادل نظر متمایز دانست. به عنوان مثال کنوانسیون ۱۹۷۵ راجع به نمایندگی کشورها نزد سازمان‌های بین‌المللی در ماده ۸۴ خود انجام مشورت را به درخواست هر یک از اعضا پیش‌بینی می‌کند و همچنین کنوانسیون ۱۹۷۸ راجع به جانشینی دولت‌ها در معاهدات و کنوانسیون ۱۹۸۳ راجع به جانشینی دولت‌ها در دارایی، اسناد و بدهی‌های دولت دیگر نوعی مذاکره و مشورت را پیشنهاد کرده است.

بر اساس مقررات این کنوانسیون‌ها، مشورت نوعی مذاکره است که پیش از مذاکرات اصلی صورت می‌گیرد؛ و اما تبادل نظر خود نوعی مشورت است که در برخی از کنوانسیون‌ها پیش‌بینی شده است.

نحوه مذاکرات، مکان و مدت آن:

* نحوه مذاکرات:

مذاکرات معمولاً به یکی از سه طریق زیر صورت می‌گیرد:

مذاکرات دوجانبه / مذاکرات چندجانبه / مذاکرات همه‌جانبه

الف) مذاکرات دوجانبه: مذاکره دوجانبه به طور مستقیم توسط نمایندگان قانونی دو کشور درگیر و در مواردی از طریق مکاتبه صورت می‌گیرد. مذاکره‌کنندگان معمولاً وزرای خارجه و مقامات عالی‌رتبه کشوری هستند. لازم به ذکر است که در زمینه‌های خاصی مذاکرات دوجانبه در چارچوب معینی انجام می‌شود مانند مذاکرات مربوط به اختلافات مرزی که در چارچوب کمیسیون‌های مشترک صورت می‌گیرد.

ب) مذاکرات چندجانبه: مذاکرات چندجانبه زمانی مطرح می‌شوند که چند کشور، طرف یک اختلاف هستند؛ و به منظور رفع اختلاف مذکور یک کنفرانس بین‌المللی تشکیل دهند.

ج) مذاکرات همه‌جانبه: این‌گونه مذاکرات معمولاً در چارچوب نهادهای بین‌المللی انجام می‌شوند. به همین علت، دین راسک وزیر امور خارجه اسبق آمریکا برای نخستین بار اصطلاح دیپلماسی پارلمانی را برای این‌گونه مذاکرات به کار برد. وی دیپلماسی پارلمانی را دارای چهار خصیصه می‌داند:

۱. سازمانی دائمی با اهداف مسئولیتی به مراتب وسیع‌تر از اجلاس‌های مأمور به رسیدگی امور خاص یا یک کنفرانس بین‌المللی با دستور جلسات معین است.

۲. مذاکره‌ای منظم و عمومی است که از طریق وسایل ارتباط جمعی مرتبط با افکار عمومی جهانی است.

۳. دربردارنده آیین گفت و شنود خاص جهت پیشبری و یا مخالفت با نقطه‌نظرهای مطروحه است.

۴. معمولاً منتج به قطعنامه‌هایی می‌شود که در بعضی از مسائل با رأی اکثریت و یا اکثریت ساده یا دوسوم است.

* مکان مذاکرات:

مکان مذاکرات بین‌المللی بر حسب نوع آن (مذاکرات دوجانبه / چندجانبه و همه‌جانبه) متفاوت است. در صورت بحرانی بودن روابط کشورها، مذاکرات دوجانبه و چندجانبه معمولاً در پایتخت یکی از کشورهای طرف اختلاف و یا به طور نوبتی در یکی از پایتخت‌ها صورت می‌گیرد. در صورت بحرانی بودن روابط کشورها، مذاکرات در یک کشور ثالث و بی‌طرف مانند سوئیس صورت می‌گیرد؛ اما مذاکرات همه‌جانبه معمولاً در مقر یک سازمان بین‌المللی انجام می‌شود.

مدت مذاکرات:

به طور کلی، مدّت مذاکرات به عوامل مختلفی چون حُسن نیت طرفین، عمق اختلافات و مشاوره‌های مقدماتی، فنی و حقوقی، اوضاع و احوال سیاسی و ... بستگی دارد.

کنفرانس‌های مهم بین‌المللی:

مفهوم کنگره و کنفرانس:

در گذشته مفهوم کنگره به تجمعاتی از نمایندگان دولت‌ها اطلاق می‌شد که نسبت به کنفرانس‌ها دارای خصوصیات برجسته بودند. کنگره‌ها معمولاً از رؤسای کشورهای مختلف تشکیل می‌شد و موضوعات مهمی چون جنگ و نزاع‌های بین‌المللی را مورد بحث قرار می‌داد. در حال حاضر، از دیدگاه حقوق بین‌الملل بین کنگره و کنفرانس فرقی نیست و از آغاز قرن بیستم نشست‌های بین‌المللی بسیار مهمی با عنوان کنفرانس صورت گرفته است.

خصوصیات کنفرانس‌های بین‌المللی:

عمده‌ترین خصوصیات کنفرانس‌های بین‌المللی به قرار زیر است:

- هر کنفرانس بین‌المللی معمولاً به منظور بررسی موضوعات خاصی تشکیل می‌شود که این مشخصه باعث تمایز این کنفرانس از سایر کنفرانس‌های قبلی و بعدی می‌شود.

- دستور کار هر کنفرانس بین‌المللی معمولاً پیش از تشکیل آن توسط کارشناس کشورهای شرکت‌کننده خصوصاً کشور میزبان تهیه و تنظیم می‌شود.

- کنفرانس‌های بین‌المللی می‌تواند مرجع قانون‌گذاری باشند اگرچه این مراجع قابل قیاس با مراجع قانونگذاری داخلی نیستند زیرا کشورهای شرکت‌کننده در پیوستن به قواعد مصوب این کنفرانس‌ها مختارند و عضویت آن‌ها اصولاً تابع منافع و مصالح ملی آنها است.

- هر کنفرانس بین‌المللی با حضور نمایندگان (تام‌الاختیار و یا با اختیار محدود) کشورها تشکیل می‌شود.

مهم‌ترین کنفرانس‌های بین‌المللی:

- کنگره وستفالی ۱۶۴۸ که منجر به پایان دادن جنگ‌های سی‌ساله در اروپا و کشمکش کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها شد.

- کنگره اوترخت ۱۷۱۲ هدف این کنگره خاتمه دادن به منازعات بر سر وراثت سلطنت اسپانیا و توافق در مورد عدم تعلق سلطنت اسپانیا و فرانسه یک پادشاه بود.

- کنگره وین ۱۸۱۵ این کنگره مقرراتی راجع به آزادی کشتیرانی در رودهای اروپا، منع خرید و فروش سیاه‌پوستان، طبقه‌بندی نمایندگان سیاسی و دیپلماتیک کشورها و حقوق و تکالیف آنها و تغییراتی در حدود اراضی برخی از کشورهای اروپایی به تصویب رساند.

- کنگره پاریس ۱۸۵۶ به منظور پایان دادن به جنگ بین فرانسه، انگلیس و ترکیه از یک سو و دولت روسیه از سوی دیگر تشکیل شد.

- کنگره برلین ۱۸۸۵ در پی تشکیل این کنگره و توافقات حاصله از قدرت روسیه و ترکیه در بالکن کاسته می‌شود.

- کنفرانس‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ این کنفرانس‌ها در تدوین قواعد حقوق جنگ گام مهمی برداشتند.

- کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹ این کنفرانس پس از خاتمه جنگ جهانی اول در وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس به ریاست کلمانسو نخست‌وزیر آن کشور تشکیل شد. هدف این کنفرانس تدوین اساسنامه یک سازمان بین‌المللی (جامعه ملل) بود.

- کنفرانس سانفرانسیسکو ۱۹۴۵ به منظور تأسیس سازمان ملل متحد تشکیل شد.

* مساعی جمیله

مساعی جمیله یا پایمردی، تلاش دوستانه دولت یا شخص ثالثی است که قصد دارد با فراهم کردن زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر، کشورهای در حال اختلاف را به توافق برساند.

در مساعی جمیله دولت یا شخص ثالث دخالتی در حل ماهوی اختلاف ندارد و تنها شرایط انجام ملاقات و گفتگو را پیشنهاد می‌دهد. به هر حال، پس از ملاقات و مذاکره طرفین اختلاف، مساعی جمیله خاتمه یافته تلقی می‌شود.

• میانجیگری

تعریف و خصوصیات میانجیگری

تعریف: میانجیگری عبارت از اقدامات داوطلبانه و فعال یکی از تابعین حقوق بین‌الملل (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و افراد) جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود است. میانجیگری به درخواست طرفین اختلاف و یا به پیشنهاد یک دولت یا شخص ثالث با در نظر گرفتن همه شرایط و عناصر اختلاف صورت می‌گیرد.

عناصر تعریف:

۱. میانجیگری اقدامی داوطلبانه است.
۲. میانجیگری اقدام و دخالتی فعال است.
۳. میانجیگری توسط یکی از تابعین حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد.
۴. میانجیگری اقدامی در جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود است.
۵. میانجیگری به درخواست طرفین اختلاف و یا به پیشنهاد یک دولت یا شخص ثالث صورت می‌گیرد.

• انواع میانجیگری:

میانجیگری را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد. در اینجا از دو جهت می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱. از لحاظ کاربردی که در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند داشته باشد.

۲. از لحاظ وظایفی که میانجی به عهده می‌گیرد.

۱. انواع میانجیگری از لحاظ کاربردی که در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد:

اقدام میانجی‌گرانه به منظور تأمین صلح و امنیت بین‌المللی در دو زمان مختلف یعنی پیش از وقوع جنگ و پس از وقوع آن می‌تواند صورت گیرد که در هر موقع تکنیک‌های میانجیگری متفاوت خواهند بود.

الف) میانجیگری به منظور حل اختلافاتی که هنوز منجر به جنگ نشده است:

حل اختلافات در نقطه آغازین خود یعنی پیش از بحرانی شدن روابط طرفین اختلاف آسان‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد؛ در این مرحله میانجیگری، روشی کارآمد و مؤثر شناخته می‌شود.

ب) میانجیگری به منظور حلّ اختلافاتی که باعث ایجاد جنگ بین طرفین اختلاف شده است:

میانجیگری در مرحله‌ای که نیروهای نظامی طرفین، درگیر هستند، کار مشکل‌تری به نظر می‌رسد و احتمال موفقیت را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد.

۲. انواع میانجیگری از لحاظ وظایفی که میانجی به عهده می‌گیرد:

شکل میانجیگری تا حدود زیادی به وظایفی بستگی دارد که میانجی به عهده می‌گیرد.

بر این اساس، میانجیگری به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف) میانجیگری ارتباطی (میانجی، ارتباط‌دهنده طرفین اختلاف است)

یکی از آثار طبیعی بروز اختلاف بین کشورها تیرگی و قطع روابط بین آنهاست. در چنین وضعیتی که انجام گفتگوهای مستقیم مشکل می‌شود، وظیفه میانجی، تبادل اطلاعات و برقراری تماس و ارتباط بین طرفین و ورود به ماهیت دعوا و حلّ اختلاف نیست بلکه وظیفه میانجی، رفع جوّ تشنج، سوءتفاهم زدایی، بیان اهمیت منافع مشترک طرفین و بالاخره تسهیل ارتباطات است.

ب) میانجیگری پیشنهاددهنده (میانجی، به عنوان پیشنهاددهنده راه حلّ اختلاف)

در صورت شکست اقدامات میانجی که ارتباط‌دهنده طرفین اختلاف است، میانجی می‌تواند نقش فعال‌تری به اقدامات خود دهد. اگر میانجی نتواند ارتباطی بین طرفین درگیر برقرار کند می‌تواند با ارائه طرحی که متضمن منافع مشترک است، انگیزه‌های مذاکره را تقویت کرده و راه‌حلی برای خاتمه اختلاف بیابد. در این حالت، گفتگو و چانه‌زنی‌های سیاسی به طور سه‌جانبه صورت می‌گیرد و میانجی می‌تواند اقدامات متعدد زیر را انجام دهد:

۱. ترغیب: ترغیب متضمن تلاش برای حفظ تداوم مذاکرات و تشویق طرف‌های متخاصم به پیشرفت در مذاکرات است.

۲. اعلام نظر: این وظیفه متضمن روشن ساختن مسائلی است که اختلاف را احاطه کرده است. به نظر یانگ میانجی‌ها درک خود از مسائل مطرح را اعلام می‌دارند و اصول اساسی، روش‌ها و فنون معمول در چانه‌زنی رسمی را پیشنهاد می‌کنند. آنان همچنین دو طرف را برای دستیابی به توافقی مشترک دست‌کم در مورد مسائل حساس آماده می‌سازند.

۳. تنظیم و ابتکار: در اینجا میانجی با کمک به تنظیم منافع مشترک یا متداخل و ارائه پیشنهادی اساسی و ابتکاری برای حلّ اختلاف عملاً وارد روند چانه‌زنی می‌شود.

اگر از قبل، موضوع یا زمینه‌ای برای جلب توجه وجود داشته باشد میانجی‌ها می‌توانند با ارائه پیشنهادی چشمگیر آن را به اختیار خود ایجاد کنند. اگر آنان در ارائه یک پیشنهاد به عنوان مبنای بحث موفق شوند، در این صورت باید ادامه مذاکرات را حول پیشنهادهای مزبور متمرکز سازند و به طرف‌های متخاصم اجازه ندهند بر تقاضاهای یک‌جانبه خود اصرار ورزند.

۴. مشارکت: گاه میانجی‌ها عملاً به صورت یکی از طرف‌های عمده چانه‌زنی در می‌آیند. آنان نه تنها زمینه‌های منافع متداخل را مشخص می‌سازند، کلیشه‌ها و تصورات مبتنی بر اطلاعات نادرست را از میان می‌برند و طرح‌ها و پیشنهادهایی را ارائه می‌دهند تا مباحثات حول آن انجام گیرد، بلکه همچنین برای جلب موافقت طرف‌ها با پیشنهاد مزبور تلاش می‌کنند. در این مرحله چانه‌زنی به صورت سه طرفه در می‌آید و در موارد معدودی نیز میانجی بر جریان مذاکرات مسلط می‌شود.

ج- میانجیگری تضمین‌دهنده (میانجی به عنوان ضامن اجرای تصمیمات)

هرگاه کشور میانجی کشوری، قدرتمند باشد می‌تواند به دلیل نفوذ سیاسی و قدرت نظامی خود اجرای تصمیمات را تضمین کند. طرفین اختلاف نیز از بیم تهدید کشور میانجی قدرتمند نسبت به منافع آتی آنها، تصمیم میانجی را اجرا می‌کنند.

• وجوه افتراق میانجیگری با مساعی جمیله:

عمده‌ترین تفاوت‌های میانجیگری و مساعی جمیله را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

۱. در مساعی جمیله جلب رضایت خاطر طرفین اختلاف برای اقدام شخص ثالث لازم نیست در حالی که در میانجیگری، شخص میانجی، باید مورد قبول و تأیید طرفین اختلاف باشد.
۲. در مساعی جمیله نقش شخص ثالث چیزی جز ایجاد کانال ارتباطی بین اطراف اختلاف نیست در حالی که شخص میانجی نقشی فعال داشته، در مذاکرات فعالانه شرکت و نیز عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر در مساعی جمیله، دامنه دخالت شخص ثالث محدود است ولی در میانجیگری، شخص ثالث دخالت وسیعی در موضوع اختلاف دارد.
۳. در مساعی جمیله شخص ثالث در ماهیت دعوا وارد نمی‌شود. در اینجا فقط هدف شخص ثالث ایجاد زمینه‌های لازم به منظور به وجود آوردن جوّی مساعد برای حلّ اختلاف است؛ در حالی که از طریق میانجیگری، شخص میانجی، ارائه طریق کرده و با دادن پیشنهاد لازم در ماهیت در دعوا وارد می‌شود.

• تحقیق

روش تحقیق، در معاهدات بین‌المللی مختلفی چون میثاق جامعه ملل، منشور ملل متحد، اساسنامه برخی از سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های منطقه‌ای پیش‌بینی شده است. روش تحقیق به عنوان یک روش مسالمت‌آمیز باعث کشف حقایق و کاهش تنش و بحران بین کشورها است و به کرات مورد توصیه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل واقع شده است. همچنین مجمع عمومی ضمن تصویب قطعنامه دیگری از دبیرکل سازمان ملل خواسته است که فهرستی از متخصصان حقوق و دیگر رشته‌ها را که ممکن است با استفاده از روش تحقیق در مورد یک اختلاف در خدمت طرفین دعوا قرار گیرند تهیه کند.

به منظور تشویق کشورها در توسل به روش تحقیق، کمیته ویژه سازمان ملل برای تقویت منشور و نقش سازمان ملل متحد، پیش‌نویس اعلامیه‌ای را نیز راجع به شیوه تحقیق تهیه و جهت تصویب به مجمع عمومی تسلیم کرده است.

بر اساس اسناد بین‌المللی خصوصاً مقررات کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، خصوصیات آیین تحقیق عبارتند از:

۱. موضوع آیین تحقیق چگونگی وقوع امر است.
۲. اعمال آیین تحقیق اختیاری است.
۳. کمیسیون تحقیق با انعقاد موافقت‌نامه خاص تأسیس می‌شود.
۴. گزارش کمیسیون تحقیق، الزامی را به وجود نمی‌آورد و اصحاب دعوا مختارند آن‌طور که می‌دانند به گزارش مذکور ترتیب اثر دهند.

آیین کار:

تحقیق می‌تواند بر اساس یک موافقت‌نامه دوجانبه برای حلّ اختلاف دو کشور توصیه و یا در معاهدات چندجانبه و همه‌جانبه پیش‌بینی شده باشد. نحوه تشکیل کمیسیون تحقیق می‌تواند بر حسب معاهده متفاوت باشد. در برخی از معاهدات، نحوه تشکیل کمیسیون تحقیق و صلاحیت‌های آن توسط کشورهای عضو مشخص شده است. رجوع به این کمیسیون‌ها می‌تواند متعاقباً با انعقاد موافقت‌نامه

ویژه‌ای بین طرفین درگیر و یا بدون چنین موافقت‌نامه‌ای صورت گیرد. در مواردی نیز، طبق مقررات یک معاهده، رجوع یک‌جانبه به یکی از اصحاب دعوا توصیه شده است که پروتکلی حاوی موضوعاتی را که مایلند در کمیسیون رسیدگی شود، تهیه کنند.

در معاهدات دیگر نیز امکان دارد کمیسیون تحقیق، خود مسؤلیت کشف حقایق را که باید روشن شود به عهده داشته باشد.

- کارایی کمیسیون‌های تحقیق:

نخستین اختلافی که با موفقیت از طریق آیین تحقیق حل و فصل شد به قضیهٔ داگربانک مربوط می‌شود. این قضیه که در سال ۱۹۰۴ اتفاق افتاد به حمله کشتی‌های نیروی دریایی روسیه به قایق‌های ماهیگیری انگلستان مربوط می‌شد که این قایق‌ها اشتباهاً به جای اژدرافکن‌های دشمن ژاپنی تصور شده بودند. در این حادثه یک کشتی ماهیگیری غرق و دو کشتی دیگر آسیب دیدن و ۲ تن کشته و شش تن نیز مجروح شدند. در پی این حادثه، دولت انگلستان خواهان پوزش و جبران خسارت وارده و همچنین مجازات فرمانده خاطی ناو روسی شد. دولت روسیه در پاسخ ادعا کرد که این واقعه به دلیل وجود کشتی‌های جنگی ژاپنی در نزدیکی محل حادثه صورت گرفته است با میانجیگری دولت فرانسه، کمیسیون تحقیقی بر اساس اعلامیه ۱۲ نوامبر ۱۹۰۴ سن پترزبورگ تشکیل شد. در پی تحقیقاتی که کمیسیون مذکور انجام داد، مشخص شد که هیچ کشتی جنگی ژاپنی در محل حادثه حضور نداشته است به همین دلیل مسؤلیت دولت روسیه محرز و مجبور به پرداخت غرامت به دولت انگلستان شد.

در دوران جنگ سرد، به دلیل مخالفت شوروی با تشکیل کمیسیون تحقیق و وتوی آمریکا با تشکیل چنین کمیسیون‌هایی این روش به طور جدی مورد استفاده قرار نگرفت.

اما در خلال جنگ ایران و عراق سه بار به کوشش سازمان ملل متحد و موافقت کشورهای درگیر، کمیسیون تحقیق تشکیل شد. اعضای این کمیسیون‌ها از سوی دبیرکل سازمان ملل از بین کارشناسان و حقوقدانان بی‌طرف انتخاب شده بودند. این کمیسیون‌ها در سه زمینه تحقیق کردند: بمباران شهرها و مناطق مسکونی هر دو کشور / استفاده از سلاح‌های شیمیایی / رفتار متخاصمین با اسرای جنگی طرفین.

• سازش و آشتی

مفهوم سازش

از لحاظ تاریخی سازش یکی از روش‌های نسبتاً جدید در زمینه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی به شمار می‌آید به طوری که حتی کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و یا میثاق جامعه ملل نیز به آن اشاره نکرده است.

آیین سازش:

از آنجا که سازش و آشتی از طریق کمیسیون‌هایی صورت می‌گیرد که معمولاً از ۳ یا ۵ شخص مورد اعتماد طرفین تشکیل می‌شود، باید آن را نوعی میانجیگری دسته‌جمعی تلقی کرد. یک یا دو عضو کمیسیون به عنوان کمیسر ملی و نفر سوم یا پنجم (در صورتی که کمیسیون پنج نفر عضو داشته باشد) با توافق طرفین اختلاف تعیین می‌شوند.

تعیین اشخاص ثالث در اینگونه کمیسیون‌ها **الزاماً** با توافق طرفین اختلاف یا کمیسرهای ملی صورت می‌گیرد. تفاوت قابل ذکر در ترکیب کمیسیون سازش و کمیسیون تحقیق این است که اشخاص ثالث در مورد اول الزاماً با توافق طرفین اختلاف تعیین می‌شوند ولی اشخاص ثالث در مورد دوم **لزوماً** توسط طرفین اختلاف **تعیین نمی‌شوند**. به عنوان مثال اعضای کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد هرچند شناخته‌شده و بی‌طرف باشند لزوماً توسط طرفین درگیر انتخاب نمی‌شود.

کمیسیون سازش می‌تواند پیش از وقوع اختلاف و یا پس از آن تشکیل شود. هرگاه کشورها، پیش از وقوع اختلاف، زمان انعقاد موافقت‌نامه، رضایت خود را مبنی بر رجوع کمیسیون سازش پذیرفته باشند، به این امر **سازش اجباری** گویند؛ ولی چنانچه پس از وقوع اختلاف، کشورها، برای حل اختلاف خود به آیین سازش متوسل شوند، به این حالت، **سازش اختیاری** گویند. کمیسیون سازش همچنین می‌تواند به طور موقت و در خصوص حل یک مسئله خاص تشکیل شود (کمیسیون موقت) و یا به شکل دائمی برای حل هرگونه اختلاف فی‌مابین تشکیل شود (کمیسیون دائمی).

فعالیت کمیسیون سازش با گزارش مشتمل بر شرح وقایع و نظارت و دلایل کمیسیون خاتمه می‌یابد.

در مقایسه با کمیسیون‌های تحقیق، کمیسیون سازش از مقبولیت و کارایی بیشتری برخوردار است. تشکیل کمیسیون سازش منحصر به کشورها نیست بلکه سازمان‌های بین‌المللی نیز به آن رجوع می‌کنند.

- وجوه افتراق میانجیگری با سازش

عمده‌ترین وجوه افتراق میانجیگری با آیین سازش عبارت است از:

۱. میانجیگری نهادی غیرسازمان‌یافته است در حالی که، آیین سازش نهادی سازمان‌یافته (در قالب کمیسیون‌ها) است و به‌طورکلی مستلزم تشریفات رسمی‌تری نسبت به میانجیگری است.

۲. معمولاً برای تشکیل کمیسیون‌های سازش بین طرفین اختلاف، قراردادی به نام قرارداد سازش منعقد می‌شود، لیکن لازمه میانجیگری وجود چنین قراردادهایی نیست.

۳. در میانجیگری، تابعین حقوق بین‌الملل (دولت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی) شخص ثالث را تشکیل می‌دهند در حالی که در آیین سازش کمیسیون‌ها جایگزین آنها می‌شوند.

• روش‌های حقوقی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

این روش‌ها عبارتند از:

۱. قضاوت بین‌المللی

۲. داوری بین‌المللی

• قضاوت بین‌المللی

قضاوت بین‌المللی از طریق مراجع قضایی صورت می‌گیرد. عمده‌ترین مراجع قضایی بین‌المللی، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

- دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری

منشأ ایجاد یک سازمان قضایی بین‌المللی را باید در کنفرانس دوم صلح لاهه در سال ۱۹۰۷ جستجو کرد. این کنفرانس تأسیس دو نهاد قضایی را پیش‌بینی می‌کرد: دیوان غنائم جنگی و دیوان دادگستری حکمیتی یا داوری. گرچه هر دو دیوان به وجود نیامدن ولی صرفاً پیش‌بینی تأسیس آن‌ها نمودار جهتی است که در فکر سازمان‌دهندگان بین‌المللی وجود داشت و نهایتاً به تأسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی منتهی شد.

با توجه به ضرورت انکارناپذیر تشکیل یک مرجع قضایی بین‌المللی، کشورهای مؤسس جامعه ملل در صدد ایجاد یک دیوان بین‌المللی برآمدند. به موجب اساسنامه، دیوان دائمی دارای ۱۵ قاضی (۱۱ قاضی اصلی و چهار قاضی علی‌البدل) بود که توسط دو ارگان بزرگ جامعه ملل یعنی شورا و مجمع عمومی با اکثریت آرا برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شدند.

دیوان دارای دو نوع صلاحیت ترافعی و مشورتی بود که در حالت اول «حکم» صادر می‌کرد و در حالت دوم «رأی مشورتی». اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری کلاً همان اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری است. علاوه بر این، دیوان اولین نشست خود، آیین‌نامه دیوان دائمی را نیز پذیرفت.

• مقایسه دیوان دائمی با دیوان بین‌المللی دادگستری:

الف) وجوه اشتراک:

۱. هر دو دیوان پس از جنگ جهانی و به منظور حلّ مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی به وجود آمدند.
۲. ماهیت کار هر دو دیوان قضایی است و هر دو با داوری فرق دارند.
۳. وظیفه عمده هر دو دیوان یکسان و عبارت از حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها و دادن رأی مشورتی است.
۴. مراعات فقط بر روی دولت‌ها باز و منابع صلاحیت ترافعی آن‌ها تراضی اطراف اختلاف است.
۵. آرای قطعی به تقاضای سازمان‌های بین‌المللی می‌دهند و دولت‌ها چنین حقی را ندارند.
۶. فقط به اختلاف حقوقی دولت‌ها رسیدگی می‌کنند و فقط در مورد مسائل حقوقی رأی مشورتی می‌دهند.
۷. هر دو دیوان در صورت اختلاف نسبت به صلاحیت آن‌ها تصمیم قاطع می‌گیرند.

ب) وجوه اختلاف:

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و اساسنامه‌اش ضمیمه منشور و جزء لاینفک آن است، درحال که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی از ارکان جامعه ملل محسوب نمی‌شد، بلکه مؤسسه وابسته به جامعه ملل بود و اساسنامه‌اش جزء لاینفک میثاق نبود بلکه به موجب یک قطعنامه مجمع عمومی جامعه ملل به تصویب رسید.
۲. عضویت در سازمان ملل متحد مترادف با عضویت در دیوان جدید است. در حالی که دولت‌های عضو جامعه ملل به خودی خود عضو دیوان دائمی محسوب نمی‌شدند.
۳. عضویت در دیوان دائمی فقط برای دولت‌های عضو جامعه ملل و دولت‌های در ضمیمه میثاق مفتوح بود در حالی که عضویت در دیوان جدید برای تمام دولت‌ها (اعم از عضو و غیر عضو) با شرایط مزبور در منشور میسر است.
۴. تقاضای رأی مشورتی از دیوان دائمی فقط برای مجمع عمومی و شورای جامعه ملل میسر بود ولی دیوان جدید علاوه بر مجمع عمومی و شورای امنیت به تقاضای سایر ارکان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی که از طرف مجمع عمومی مجاز شده‌اند نیز رأی مشورتی می‌دهند.
۵. اجرای احکام دیوان دائمی به حسن نیت دولت محکوم‌علیه یا زور و قدرت دولت محکوم‌له بستگی داشت، در حالی که اجرای احکام دیوان جدید در صورت امتناع و سرپیچی دولت محکوم‌علیه به عهده شورای امنیت است.
۶. طرز اصلاح مواد اساسنامه دیوان دائمی پیش‌بینی نشده بود ولی در دیوان جدید طبق مواد ۶۹ و ۷۰ اصلاح اساسنامه میسر است.

۷. گرچه اساسنامه دیوان دائمی مبنای اساسنامه جدید است، اساسنامه جدید با اساسنامه قدیم فرقی‌هایی دارد.

- تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری:

دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد است و اساسنامه آن نیز که بر مبنای اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری تنظیم شده است جزء لاینفک منشور به شمار می‌آید.

۱. ساختار و تشکیلات

دیوان مذکور عبارت است از یک هیأت قاضی مرکب از ۱۵ قاضی و یا حقوقدان مستقل است که بدون توجه به ملیت آنها از میان کسانی که عالی‌ترین مقام اخلاقی را دارا و هر یک واجد شرایط لازم برای احراز مشاغل عالی قضایی در کشور متبوع خود باشند و یا از جمله متبحرترین افراد در علم حقوق و دارای شهرت بسزا در زمینه حقوق بین‌الملل باشند، انتخاب می‌شوند. این قضات از طرف سازمان ملل متحد (شورای امنیت و مجمع عمومی) انتخاب می‌شوند و از جانب دولت‌های متبوع خود منصوب نمی‌شوند.

قضات دیوان مأمورین دولتی نیستند تا تابع مقررات و دستورات کشورهای خود باشند و از این رو برای تضمین استقلال آنها، مصونیت‌هایی مانند مأموران سیاسی قائل شده‌اند.

قضات دیوان برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و پس از سپری‌شدن دوره مجدداً قابل انتخاب هستند.

در مورد شیوه انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری دو نکته حائز اهمیت است:

نکته اول: در رأی شورای امنیت برای انتخاب قضات، بین اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت هیچ فرقی نیست و اعضای دائم شورای امنیت، نمی‌توانند در انتخاب قضات از حقّ وتو استفاده کنند.

نکته دوم: اینکه در گزینش قضات، انتخاب‌کنندگان باید در نظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دیوان معین می‌شوند، نه تنها باید دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده نظام‌های حقوقی بزرگ دنیا به شمار آیند. در انتخاب قضات دولت‌های عضو حقّ دخالت ندارند.

انتخاب قضات در دو مرحله صورت می‌گیرد:

مرحله نخست: معرفی کاندیدها توسط گروه‌های ملی است که در دیوان داوری عضویت دارند که آن هم بعد از مشورت با مراجع ملی، مثل مراجع قضایی داخلی، دانشکده‌های حقوق و غیره است. هر گروه ملی می‌تواند چهار نماینده را معرفی نماید.

مرحله دوم: انتخاب قضات با مجمع عمومی و شورای امنیت است.

• استفاده از قاضی اختصاصی (ad hoc):

در دو حالت امکان استفاده از قاضی اختصاصی وجود دارد:

۱. زمانی که یکی از قضات دیوان تابعیت یکی از دولت‌های طرف دعوا را داشته باشد به طرف دیگر حق داده می‌شود که یکی از اتباع خود یا از افراد خارجی که حائز شرایط لازم باشد، به عنوان قاضی به دیوان معرفی کند.

۲. هرگاه در میان قضات دیوان هیچ یک از طرفین دعوا در دادگاه قاضی نداشته باشند، هر یک از آنها می‌توانند یک نفر قاضی به طریق فوق انتخاب و معرفی کنند.

در تأیید نهاد قاضی اختصاصی، موافقین این نهاد دلایل زیر را اقامه می‌کنند.

۱. اصل شرکت قضاتی که دارای ملیت اصحاب دعوا هستند در رسیدگی به دعوا اصلی کهن است که در کلیه محکمه‌های داوری که پیشروان دادگاه‌های بین‌المللی قرن معاصر هستند، از دیرباز مراعات می‌شده است.

۲. اگرچه قضات خاص متمایل به دادن رأی به نفع دولت متبوع خود هستند، اما استماع نظر آنها برای دادگاه مفید بوده و به اجرای رأی از طرف دولت متبوع آنها کمک می‌کند.

۳. قضات خاص پس از انتخاب به صورت هیأت مستقلی وظایف خود را انجام می‌دهند و نمایندگان دول نمی‌باشند و از این رو نباید از حق رسیدگی به دعوای مزبور محروم شوند.

۴. شرکت قضات خاص هنگامی زیان‌بخش است که شرکت آنان در ترکیب دادگاه و نظر آنان در رأی دادگاه مؤثر باشد.

۵. لزوماً قضات خاص دارای ملیت کشور طرف نیستند. در پاره‌ای موارد، قاضی یا قضات خاص از حقوق‌دانانی با ملیت کشور بی‌طرف انتخاب می‌شوند.

- صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری به اختلافات بین کشورها بستگی به رضایت کشورهای طرف دعوا دارد زیرا اعمال حق دادرسی و قضاوت در امور بین‌الملل جز بر مبنای میل و اراده دولت‌ها میسر نیست و توافق دولت‌ها شرط اصلی و قبلی اجرای روش قضاوت در حل و فصل اختلافات آنهاست.

صلاحیت دیوان بر دو نوع است: صلاحیت مشورتی و صلاحیت ترافعی

الف) صلاحیت ترافعی:

صلاحیت دیوان شامل کلیه اختلافاتی است که اصحاب دعوا به آن رجوع می‌کنند و همچنین شامل کلیه مواردی است که در منشور ملل متحد و یا در قراردادهای و مقاوله‌نامه‌های جاری پیش‌بینی شده است.

- محدودیت‌های صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

۱. از حیث اصحاب دعوا

الف) کشورها: به موجب بند یک ماده ۳۴ اساسنامه، فقط دولت‌ها برای مراجعه به دیوان صلاحیت دارند. دولت‌ها بر سه دسته تقسیم می‌شوند:

کشورهای عضو سازمان ملل متحد:

به موجب بند یک ماده ۹۳ منشور سازمان ملل متحد کلیه اعضای ملل متحد به خودی خود جزو قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان هستند. کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد که اساسنامه را پذیرفته‌اند:

به موجب بند ۲ ماده ۹۳ منشور هر کشوری که غیر عضو ملل متحد است می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌شود اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول کند. این شرایط شامل:

۱. پذیرش مقررات اساسنامه دیوان؛

۲. پذیرش تعهدات مندرج در ماده ۹۴ منشور؛

۳. تعهد برای پرداخت حق عضویت در دیوان.

در حال حاضر کشور سوئیس، کشور غیرعضوی است که اساسنامه دیوان را در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۴۸ پذیرفته است.

کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد که اساسنامه دیوان را نیز پذیرفته‌اند:

این‌گونه کشورها در صورتی حق مراجعه به دیوان را دارند که شرایط تعیین‌شده از سوی شورای امنیت را قبول کنند.

شرایط شورای امنیت برای کشورهای غیرعضو و غیرقبول‌کننده اساسنامه:

۱. کشور غیر عضو سازمان و غیر قبول‌کننده اساسنامه باید قبلاً اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان و تعهد به اجرای صادقانه و رأی یا آرای دیوان را نزد دفتر دیوان تودیع کرده باشد.

۲. اعلامیه مذکور می‌تواند خاص یا عام باشد. در اعلامیه خاص، کشور صادرکننده اعلامیه صرفاً صلاحیت دیوان را در یک یا چند اختلاف می‌پذیرد درحالی‌که در اعلامیه‌ها صلاحیت دیوان به طور کلی و در مورد کلیه اختلافات یا یک یا چند نوع مخصوص از اختلافات پذیرفته می‌شود.

۳. اصل اعلامیه‌ها در بایگانی دبیرخانه دیوان مضبوط خواهد ماند؛ و نسخه‌های مصدق آن‌ها از طرف دفتر دیوان به کلیه کشورهای قبول‌کننده اساسنامه دیوان و دیگر کشورها ارسال می‌شود.

۴. شورای امنیت حق القا یا اصلاح این قطعنامه را به وسیله یک قطعنامه دیگر که به موقع خود برای دیوان ارسال خواهد شد دارد.

۵. کلیه مسائل مربوط به تشخیص اعتبار یا اثر هر اعلامیه‌ای که طبق این قطعنامه صادر شد تابع تصمیم دیوان خواهد بود.

ب) افراد

قبول اصل مندرج در بند یک ماده ۳۴ بدان معنی نیست که اختلافات ارجاعی به دیوان، هرگز به افراد مربوط نمی‌شود، بلکه آنها نیز می‌توانند با توسل به اصل حمایت سیاسی، از کشورهای متبوع خود بخواهند که به نفع آنها از دیوان تقاضای رسیدگی کنند.

ج) سازمان‌های بین‌المللی

هر چند بند یک ماده ۳۴ اساسنامه دیوان صراحتاً صلاحیت دیوان مزبور را به رسیدگی به اختلافات کشورها محدود می‌کند، بندهای ۲ و ۳ همان ماده شرایط همکاری بین دیوان و سازمان‌های بین‌المللی را تعیین می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی فقط می‌توانند از دیوان رأی مشورتی تقاضا کنند.

۲. از حیث موضوع دعوا

از آنجا که دیوان یک دادگاه حقوقی است قبل از هرگونه اقدامی باید قابل‌پذیرش بودن دعوا از نظر حقوقی و نیز صلاحیت خود را احراز کند. به موجب بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری موضوعات زیر در صلاحیت دیوان است:

الف. تفسیر یک معاهده؛

ب. هر موضوعی که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد؛

ج. واقعیت هر عملی که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود؛

د. نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی معین می‌شود.

دیوان تنها در صورت رضایت کامل کلیه اصحاب دعوا می‌تواند به اختلافات حقوقی رسیدگی کند و به صرف مراجعه یکی از اصحاب دیوان و تسلیم شکایت نمی‌تواند طرف دیگر را به پای میز محاکمه کشاند مگر آنکه طرف دعوا قبلاً رضایت خود مبنی بر رسیدگی به اختلافات را اعلام داشته باشد و یا پس از بروز اختلاف صلاحیت دیوان را جهت رسیدگی به آن اختلاف بپذیرد.

- پذیرش صلاحیت اجباری

پذیرش صلاحیت اجباری دیوان را از دو طریق می‌توان پذیرفت:

۱. از طریق عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی

۲. از طریق صدور اعلامیه‌های یک‌جانبه

• پذیرش صلاحیت اجباری دیوان از طریق عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی:

اغلب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حاوی موادی راجع به پذیرش صلاحیت اجباری دیوان هستند به نحوی که طرف‌های قرارداد موافقت می‌کنند در صورت بروز اختلاف موضوع را جهت رسیدگی به دیوان ارجاع کنند. در چنین مواردی، قضیه مورد اختلاف به وسیله یک درخواست کتبی نزد دیوان مطرح و کشور مدعی‌علیه ملزم به حضور در مقابل دیوان است. این الزام ناشی از رضایتی است که دولت مدعی‌علیه ضمن قرارداد یا عهدنامه مورد استناد کشور مدعی به دیوان ابراز کرده است. علاوه بر معاهدات دوجانبه، اغلب معاهدات چندجانبه حاوی موادی راجع به پذیرش اجباری صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

• پذیرش صلاحیت اجباری دیوان از طریق صدور اعلامیه‌های یک‌جانبه

بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری کشورهای امضاکننده این اساسنامه می‌تواند صلاحیت اجباری دیوان را ضمن یک اعلامیه یک‌جانبه در مقابل هر دولت دیگری که همین تعهد را پذیرفته باشد در مورد تمام اختلافات حقوقی در موارد زیر را قبول کند:

- تفسیر یک معاهده

- هر مسئله‌ای که موضوع حقوق بین‌الملل باشد

- حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود.

- نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

لازم به ذکر است که اعلامیه‌های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان می‌تواند بدون قید شرط و یا مشروط صادر شوند. این شروط در این زمینه‌ها خواهد بود:

- شرط مربوط به محدودیت از نظر مدت اعتبار اعلامیه

- شرط معامله متقابل

- شرط صلاحیت محاکم داخلی

- شرط سایر روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات

- شرط معاهدات چندجانبه

- شرط عدم شناسایی

- شرط جنگ

- شرط اختلاف بین دولت‌های مشترک‌المنافع

- شرایط ویژه

- شرط عطف به ماسبق نشدن

ب) صلاحیت مشورتی دیوان

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص عبارت است از اظهارنظر حقوقی و قضایی دیوان درباره مسائل حقوقی که سازمان‌های بین‌المللی به دیوان ارجاع می‌کنند. طبق ماده ۶۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند به تقاضای ارکان سازمان ملل متحد یا سازمان‌های تخصصی در هر مسئله حقوقی که از طرف مؤسسات مزبور به دیوان ارجاع شود رأی مشورتی بدهد. مجمع عمومی و شورای امنیت نیز حق درخواست رأی مشورتی از دیوان را دارند و طبق مقررات منشور، مجمع عمومی به شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت اجازه استفاده از این حق را داده است.

از نظر حقوقی، آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری الزام‌آور نیستند مگر در مواردی که به موجب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی آرای مشورتی دیوان به طور کلی یا در مورد مسائل معینی الزام‌آور شناخته شده باشند.

داوری بین‌المللی

بررسی سوابق داوری، تحول تاریخی آن را به صورت زیر نشان می‌دهد:

۱. داوری فردی یا داوری توسط رئیس یک کشور؛

۲. داوری توسط کمیسیون مختلط؛

۳. داوری توسط دادگاه. اوج تحول داوری در قضیه آلاباما مطرح شد.

قضیه آلاباما: آلاباما یک کشتی شخصی و مسلح به ادوات جنگی بود که به وسیله شورشیان ایالات جنوبی آمریکا در جنگ علیه ایالات شمالی به کار گرفته شد. دولت آمریکا مدعی بود که این کشتی در یکی از بنادر متعلق به دولت انگلیس ساخته شده و تجهیزات خود نیز در بنادر و با کمک آن دولت دریافت کرده است. دولت آمریکا این عمل را مغایر بی‌طرفی می‌دانست از دولت انگلیس خواست تا خسارت وارده را جبران کند. دولت انگلیس این ادعا را رد کرد. سرانجام پس از مذاکرات مفصل به موجب قرارداد واشنگتن طرفین موافقت کردند که موضوع به داوری ارجاع شود. یک کمیسیون پنج نفره متشکل از یک نماینده از هر یک از طرفین اختلاف و ۳ نماینده از دیگر کشورها در شهر ژنو رسیدگی به آن اختلاف را آغاز کردند و نهایتاً دولت انگلیس ملزم به پرداخت خسارت وارده به آمریکا شد.

اعلام توافق برای وجوب داوری به طرق مختلف زیر صورت می‌گیرد:

۱. قرار رجوع به داوری: دولت‌ها می‌توانند پس از بروز اختلاف موافقت‌نامه‌ای منعقد و اختلاف خود را به داوری ارجاع کنند.

۲. شرط رجوع به داوری: دولت‌ها پیش از بروز اختلاف در قالب موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه خود قید رجوع به داوری را گنجاندند. شرط داوری به دو صورت خاص و عام مطرح است.

۳. قرارداد داوری دائمی: این قرارداد به قراردادی اطلاق می‌شود که دو یا چند کشور توافق کنند که کلیه اختلافات یا برخی از آنها را از طریق داوری حل و فصل کنند مانند پیمان عمومی ۱۹۲۸.

- آیین داوری به این عوامل بستگی دارد: موضوع اختلاف / کیفیت انتخاب داوران / حدود و صلاحیت و اختیارات داوران / قواعدی که داور مبنای حکم داوری خود قرار می‌دهد.

- خصوصیات حکم داوری:

۱. حکم داوری الزامی است.

۲. حکم داوری قطعی است.

۳. حکم داوری دارای ضمانت اجرا نیست.

حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی

تجاوز:

مسئولیت متجاوز:

جنگ تجاوزکارانه جنایتی علیه صلح بین‌المللی است، در نتیجه موجب مسئولیت بین‌المللی می‌شود و هرگونه تصرف ارضی یا امتیاز ویژه ناشی از آن قانونی نیست (بندهای ۲ و ۳ ماده ۵). البته تعیین مسئول یا متجاوز بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد و شورای امنیت است. در این خصوص، شورا می‌تواند کمیته یا هیأت خاصی را مأمور بررسی موضوع تجاوز کند. برای نمونه، شورای امنیت قطعنامه شماره ۵۹۸ مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۷ در مورد نحوه پایان جنگ ایران و عراق به دبیرکل اختیار داد تا ضمن مشورت با طرفین مناقشه، مسئله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت آغازگر جنگ و ادامه‌دهنده آن را به هیئتی بی‌طرف مورد بررسی قرار داده و در حداقل ممکن گزارش امر را به شورای امنیت تسلیم کند (بند ۶).

اعتبار حقوقی قطعنامه تعریف تجاوز:

اولاً قطعنامه طبق ماده ۸ از یک پیوستگی و ارتباط حقوقی و منطقی برخوردار است؛ به این نحو که هیچ‌یک از مواد آن نباید به گونه‌ای مستقل و جدا از دیگر مواد آن مورد اجرا و تفسیر قرار گیرد.

ثانیاً هیچ‌کدام از مقررات قطعنامه نباید چنان تفسیر شود که شمول منشور ملل متحد را به نحوی از آنحاء گسترش داده یا محدود کند، از جمله مقررات مربوط به مواردی که طبق منشور کاربرد زور مشروع است (ماده ۶).

ثالثاً این قطعنامه همچون سایر قطعنامه‌های اعلامی مجمع عمومی در حد یکی از اعمال موجد سابقه عرفی بین‌المللی و اعتبار حقوقی آن نیز در همین حد است. در نتیجه مسلماً ارزش و اعتباری چون معاهدات بین‌المللی ندارد.

مفهوم دفاع مشروع

دفاع مشروع جزء لاینفک هر نظام حقوقی است. مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل تفاوتی با مفهوم دفاع مشروع در حقوق داخلی ندارد. تنها فرق آن در این است که در حقوق داخلی، دفاع مشروع استثنایی بر قاعده است، در حالی که در حقوق بین الملل به دلیل فقدان یک قدرت فرا ملی و یک نیروی اجراییِ ما فوق دولتی، دفاع مشروع یک قاعده است، اما قاعده‌ای که خود استثنایی بر قاعده منع توسل به زور و تحریم و جنگ است.

امروزه دفاع مشروع به منزله یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده ملت‌های متمدن است که اِعمال آنها خارج از هرگونه صلاحیت قراردادی قابل پذیرش است.

دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، به کشور مورد تجاوز مسلحانه، حق می‌دهد تا به فوریت در مقام تهاجم مسلحانه کشور یا کشورهای دیگر با هر وسیله ممکن، متوسل به زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند.

دفاع مشروع ممکن است جنبه دسته جمعی داشته باشد به این ترتیب که تعدادی از کشورها مخصوصاً کشورهای هم‌جوار با انعقاد پیمانِ تدافعی خاص تعهد کنند در صورتی که هر یک از آنها مورد تعدی و تجاوز کشور یا کشورهای دیگر قرار گیرد، سایرین به یاری او شتافته و متجاوز را قلع و قمع کنند. این پیمان تدافعی حتی ممکن است پس از وقوع تجاوز منعقد شود.

شرایط اساسی دفاع مشروع

احراز تجاوز مسلحانه

شرط اولیه دفاع مشروع، محرز و مسلم بودن عمل تجاوز مسلحانه است؛ به این معنی که در وهله اول باید تجاوز مسلحانه و زورمدارانه‌ای صورت گرفته باشد و عملیات تجاوزکارانه تجلّی خارجی و عینیت پیدا کرده باشد، فرضاً عبور نیروهای نظامی یک کشور از مرزهای شناخته شده بین‌المللی و وارد شدن زورمدارانه آنها به سرزمین کشور دیگر. البته مسلماً درگیری‌های مسلحانه‌ی جزئی مرزی میان قوای نظامی دو کشور که احیاناً منجر به عبور موقت از مرزهای بین‌المللی می‌گردد، عمل تجاوز محسوب نمی‌شود.

رعایت شروط ضرورت و تناسب

شرط دیگر دفاع مشروع آن است که اولاً اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که وجود خطر واقعاً و در عمل احساس شود که در چنین وضعیتی، حق دفاع ضرورت پیدا می‌کند. ثانیاً میان عمل تجاوز به اقداماتی که در جهت دفاع از خود صورت می‌گیرد، تناسبی وجود داشته باشد. به بیان دیگر دفاع باید الزاماً متناسب با حدود و دامنه حمله یا خطرات احتمالی ناشی از آن باشد. فرضاً اگر کشوری مورد تجاوز حمله مسلحانه توسط سلاح‌های کلاسیک قرار گرفته، مجاز نیست که در مقام دفاع، از سلاح‌های انهدام جمعی (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) استفاده کند.

فرض خارج از چهارچوب دفاع مشروع

(۱) پیش‌دستی در حمله به انگیزه وقوع تجاوز احتمالی آینده:

این تجاوز احتمالی ممکن است به صورت تهدید به تجاوز، اعلان جنگ، بسیج همگانی نیروها و تجمع نیروهای مسلح در مرز باشد. در این حالت، کشوری که احتمال می‌دهد مورد تجاوز قرار خواهد گرفت تنها می‌تواند شرح واقعه را به شورای امنیت گزارش کند و شکایت لازم را مطرح سازند، لیکن تا زمانی که حمله مسلحانه‌ای واقع نشده و تجاوزی صورت نگرفته به هیچ وجه حق مبادرت به عملیات

جنگی به عنوان دفاع مشروع را ندارد. در این فرض، مثلاً ادعای عراق پس از حمله به ایران در سال ۱۹۸۰ مشعر بر اینکه حکومت عراق ناگزیر است در مقام «دفاع از خود» برای حفظ حکومت و تمامیت ارضی خود به زور متوسل شود.

(سخنان سعدون حمادی، وزیر امور خارجه وقت عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) صد درصد مردود است.

(۲) تجاوز متقابل کشور در مورد تجاوز به کشور متجاوز:

کشور مورد تجاوز تنها می‌تواند تجاوز را سرکوب کند و نیروهای تجاوزگر را پشت مرزهای بین‌المللی عقب راند، لیکن خود نمی‌تواند در تعقیب آن نیروها، وارد قلمرو کشور متجاوز شود و احیاناً مناطقی از آن کشور را - هر چند به طور موقت - اشغال کند که در این صورت، کشور مورد تجاوز خود متجاوز محسوب می‌شود.

مقررات بین‌المللی حاکم بر دفاع مشروع

سابقه تاریخی

تا سال ۱۹۱۹، مانع از این جهت پذیرش حق دفاع مشروع به عنوان یک حق بین‌المللی، وجود صلاحیت بی قید و شرط و نامحدوده کشورها در توسل به جنگ بود، اما پس از آن سال نیز میثاق جامعه ملل ذکری از دفاع مشروع به میان نیاورد. شاید تدوین‌کنندگان میثاق چنین تصور می‌کردند که دفاع مشروع حق بنیادی و جهانی شناخته شده است، بنابراین نیازی به پیش‌بینی آن نیست؛ اما میثاق برابان - کلوگ (در مقدمه) تلویحاً و معاهدات لوکارنو، منشور ملل متحد و پیمان‌های دسته‌جمعی تدافعی و برخی آرای قضایی بین‌المللی به صراحت این مسئله را بازگو کرده‌اند.

منشور ملل متحد

طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد (در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی و طبیعی دفاع مشروع یا دفاع از خود - انفرادی یا دسته‌جمعی - لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع مشروع از خود به عمل می‌آورند، واقعاً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ‌وجه به اختیارات وظایفی که شورای امنیت طبق منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر زمانی که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.)

تفسیر این ماده: تفسیر این ماده نکات اساسی چندی را به دست می‌دهد:

۱: منشور سخن از «حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد» به میان می‌آورد، اما اقداماتی که می‌توانند به مثابه «حمله مسلحانه» تلقی شود را مشخص نمی‌سازد؛ بنابراین بدون شک اثر سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و موشک‌های قاره‌پیما تا حدود زیادی مفهوم این ماده از منشور را در مورد موقع و زمان «حمله مسلحانه» دگرگون ساخته است و این امر مسلماً با توجه به ممنوعیت کاربرد سلاح‌های یادشده و تفاوت بارز آنها با انواع سلاح‌های کلاسیک یا متعارف و نحوه کاربرد آنها، تجدیدنظر در منشور را ایجاب می‌کند.

(۲) منشور، دفاع مشروع در اجرا و به عنوان یک عمل ثانوی، موقتی و تحت کنترل محدود می‌کند؛ به این ترتیب که دفاع تنها زمانی مجاز است که شورا تدابیر لازم را به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نکرده باشد. عمل شورا، کشور مورد تهاجم را از حق دفاع مشروع باز می‌دارد و آیین مجازات‌های بین‌المللی به معنی دقیق کلمه، جانشین دفاع مشروع می‌شود.

۳) منشور هرچند به دفاع مشروع دسته‌جمعی اشاره می‌کند، اما در مورد این اصطلاح کمترین توضیحی نمی‌دهد و شرایط اعمال آن را مشخص نمی‌سازد. این امر موجب گردید تا از سال ۱۹۴۵ به بعد کشورها خود با انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای دسته‌جمعی تدافعی این خلاء را از میان بردارند. در هر حال در اعمال این حق باید اصول کلی مندرج در ماده ۵۱ منشور رعایت شود.

۴) اعضای سازمان باید اقداماتی را که در دفاع از خود به عمل می‌آورند به شورا گزارش دهند. این مقررات هر چند عالی است، لیکن انسداد فعالیت شورای امنیت با به کارگیری حق وتو به او اجازه نمی‌دهد تا کلیه نتایج ثمربخش را به بار آورد.

پیمان‌های تدافعی دسته‌جمعی

خلاء موجود در منشور ملل متحد در مورد برقراری یک سیستم امنیت دسته‌جمعی و یک ضمانت اجرای واقعی موجب شد تا از سال ۱۹۴۵ به بعد پیمان‌های تدافعی دسته‌جمعی میان کشورها، مخصوصاً به صورت منطقه‌ای انعقاد یافته و در آنها به مسئله «دفاع مشروع دسته‌جمعی» توجه شود. «دفاع مشروع دسته‌جمعی» به دفاعیات مختلف در میثاق‌های متعدد، دوجانبه و چندجانبه، منطقه یا غیر منطقه‌ای، که مستقیماً بر ماده ۵۱ منشور مبتنی است، تکرار شده است؛ از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) (ماده ۵) نام برد.

رویه قضایی بین‌المللی

در میان آرای متعدد قضایی بین‌المللی که در آنها حق دفاع مشروع به رسمیت شناخته شده است می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ در قضیه اختلاف ایالات متحده آمریکا و نیکاراگوئه اشاره نمود.

در این پرونده، نظر ایالات متحده این بود که ایالات متحده با دادن کمک متناسب و ضروری به کشورهای ثالثی که در آن کشور تقاضا کرده بودند و این دادرسی شرکت نداشتند، از حق دفاع مشروع استفاده کرده و این حق به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد به عنوان «حق دفاع مشروع دسته‌جمعی» برای همه کشورها شناخته شده است (منظور از کشورهای ثالث، کشورهای السالوادر، کاستاریکا و هندوراس هستند) و به این ترتیب مسئله سیاسی و در صلاحیت ارگان‌های سازمان ملل متحد است.

دیوان در رأی خود اولاً رسیدگی به مسئله دفاع مشروع را بر خلاف نظر آمریکا در صلاحیت خود دانست و ثانیاً در مورد شناسایی حق دفاع مشروع اعلام داشت: بنا بر ماده ۵۱ منشور، حق طبیعی هر دولت این است که وقتی هدف حمله متجاوز قرار می‌گیرد از خود دفاع کند. به این ترتیب، منشور ملل متحد حق دفاع دسته‌جمعی را به رسمیت شناخته است.

عملیات نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

امروزه با توجه به اصل عدم توسل به زور به عنوان یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام، تنها در دو مورد استفاده از زور مجاز و مشروع است: یکی در مقام دفاع مشروع و دیگری در چارچوب عملیات نظامی سازمان ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.

عملیات نظامی یادشده، به دو شکل متفاوت متجلی است: عملیات نظامی بین‌المللی و عملیات حفظ صلح.

عملیات نظامی بین‌المللی

الف: تغییر عملیات نظامی بین‌المللی

عملیات نظامی بین‌المللی، دسته‌ای از تدابیر قهری مسلحانه است که به عنوان نوعی ضمانت اجرای مؤثر و واقعی در برابر تهدید علیه صلح نقض صلح یا عمل تجاوزکارانه، در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است.

طبق ماده ۴۲ منشور، چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ منشور (مجازات‌های دیپلماتیک و اقتصادی) کافی نبوده یا ثابت شود که کافی نیست، می‌تواند وارد مرحله اقدامات قهری یا استفاده از زور شود و به وسیله نیروهای هوایی، دریایی و زمینی، عملیاتی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند، انجام دهد. این اقدامات ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد. در این مورد نقش اختصاصی که منشور به شورای امنیت اعطا نموده، نام او را به عنوان مسئول اساسی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی توجیه می‌کند (ماده ۲۴). در این خصوص، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشور کارایی ندارد (بند ۷ ماده ۲ منشور) و کلیه اعضا مکلف به اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند (ماده ۲۵ منشور).

سازماندهی عملیات نظامی بین‌المللی

اقدامات قهری مسلحانه یا نظامی شورای امنیت، مستلزم وجود یک سازمان بین‌المللی یا یک نیروی متشکل و خاص نظامی بین‌المللی است که در زمان صلح ایجاد شده باشد.

منشور به این مهم توجه کرده و تأسیس آن سازمان یا نیرویی خاص را پیش‌بینی کرده است (مواد ۴۳، ۴۴ و ۴۵)؛ به این صورت که کلیه اعضای ملل متحد باید به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بخشی از نیروهای مسلح خود را در اختیار شورای امنیت قرار دهند. همچنین بایستی تسهیلاتی از عبور برای نیروی نظامی بین‌المللی فراهم سازند. تشکیل چنین نیروی نظامی منوط به درخواست شورای امنیت و انعقاد موافقت‌نامه‌های خاص است. نیروی نظامی بین‌المللی را نمی‌توان یک ارتش واقعی بین‌المللی قلمداد کرد، بلکه مجمعی از ارتش‌های ملی هماهنگ است، اما همین مجموعه ارتش‌های ملی هماهنگ نیز به دلیل عدم انعقاد موافقت‌نامه‌های خاص (مقرر در بند ۳ ماده ۴۳ منشور) تشکیل نشد. این عدم موفقیت، به دلیل اختلافات میان قدرت‌های بزرگ بوده است.

کمیته ستاد نظامی

کمیته ستاد نظامی از ارکان فرعی شورای امنیت است که از روسای ستاد ارتش‌های کشورهای عضو دائمی شورای امنیت یا نمایندگان آن ترکیب یافته است (بند ۱ ماده ۴۷ منشور).

اهم وظایف کمیته ستاد نظامی عبارت است از:

- (۱) کمک به شورای امنیت در تهیه طرح‌هایی در زمینه استفاده از نیروهای مسلح (ماده ۴۶ منشور)؛
- (۲) ارائه مشورت شورای امنیت در امور نظامی (بند ۱ ماده ۴۷ منشور)
- (۳) فرماندهی نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده می‌شود (بند یک ماده ۴۷ منشور)؛
- (۴) تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی (بند ۱ ماده ۴۷ منشور)
- (۵) تأسیس کمیته‌های فرعی منطقه‌ای؛ این کار منوط به اجازه شورای امنیت و مشورت با سازمان‌های منطقه‌ای است (بند ۴ ماده ۴۷ منشور)

این کمیته تشکیل شده است، اما به دلیل اختلاف نظر میان قدرت‌های بزرگ نتوانسته نقش خود را به خوبی ایفا کند.

عملیات حفظ صلح

تعریف عملیات حفظ صلح: «عملیات حفظ صلح» به مجموعه عملیات سازمان‌یافته نظامی و یا غیرنظامی سازمان ملل متحد اطلاق می‌شود که به منظور پیشگیری از مخاصمات و یا محدود کردن مخاصمات، کاهش مخاصمات و یا پایان بخشیدن به مخاصمات - اعم از مخاصمات میان کشورها با یکدیگر یا مخاصمات غیر بین‌المللی - و به طور کلی، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد. این عملیات را نیروهای نظامی و غیرنظامی کشورهای داوطلب عضو سازمان ملل متحد و با مجوز و تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد بر عهده می‌گیرند. نیروهای نظامی را «نیروهای پاسدار صلح» و نیروهای غیرنظامی را با عناوین مختلف، از جمله «گروه ناظر»، «هیأت نظارت» و امثال آن‌ها می‌نامند. نیروهایی که به نوعی در عملیات حفظ صلح مشارکت دارند در طول عملیات از مصونیت‌ها و مزایای مقرر در موارد ۱۰۴ و ۱۰۵ منشور ملل متحد و مقررات عهدنامه مصونیت‌ها و مزایای ملل متحد مورخ ۱۹۴۶ برخوردارند.

مبنای حقوقی عملیات حفظ صلح

در مورد عملیات حفظ صلح، مقررات صریحی در منشور ملل متحد وجود ندارد، اما طبق رویه سازمان ملل متحد که ناشی از قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و مجمع عمومی است و خود به قاعده عرفی تبدیل شده است از یک سو و با تفسیر مترقیانه از مجموعه مقررات منشور (مخصوصاً فصل اول، مواد ۱ و ۲؛ فصل ششم، بالاخص مواد ۳۶، ۳۵، ۳۴ و ۳۷؛ فصل هفتم، بالاخص ماده ۴۰) از سوی دیگر، مبنای حقوقی عملیات حفظ صلح مشخص می‌گردد.

در این خصوص به ویژه توجه به ماده ۴۰ منشور ضروری است، چرا که اکثر صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل این ماده را برای توجیه برپایی عملیات حفظ صلح کافی می‌دانند. طبق ماده ۴۰، «شورای امنیت به منظور جلوگیری از وخامت اوضاع و پیش از آنکه وفق ماده ۳۹ توصیه‌هایی نماید یا درباره اقداماتی که باید معمول گردد، تصمیمی اتخاذ کند، می‌تواند از طرف‌های ذینفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهند.» از جمله این اقدامات موقتی می‌توان از عملیات حفظ صلح نام برد.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد که مبنای حقوقی عملیات حفظ صلح، مواد ۳۹ و ۴۰ منشور توأمان باشد، مخصوصاً اینکه در برخی از قطعنامه‌های مربوط به تجویز عملیات، صریحاً به آن مواد و یا به طور کلی به فصل هفتم منشور استناد شده است.

مثال مورد اول در عملیات گروه ناظر ملل متحد در ایران و عراق (یونیمگ) و مثال مورد دوم، هیأت نظارت ملل متحد در عراق و کویت (یونیکوم) است.

ویژگی‌های عملیات حفظ صلح:

غیر قاهرانه و غیر آمرانه بودن عملیات

عملیات حفظ صلح در اساس دارای ماهیت غیر قاهرانه، غیرآمرانه و مسالمت‌آمیز است. در نتیجه، نیروهای نظامی و غیرنظامی حافظ صلح مجاز به استفاده از زور توسل به سلاح نیستند، مگر به صورت محدود، آن هم در مقام دفاع مشروع یا در راستای ضرورت حتمی برای پیشبرد مأموریت‌های خود و بر همین اساس است که نیروهای پاسدار صلح باید منحصرأً به سلاح‌های سبک مجهز باشند. این استثنای توسل به زور و معمولاً تنها نیروهای نظامی پاسدار صلح قادر به انجام آن هستند.

توافقی بودن عملیات

شورای امنیت یا مجمع عمومی می‌تواند به کشورهای داوطلب عضو سازمان ملل متحد توصیه نماید تا بخشی از نیروهای نظامی و غیرنظامی خود را به طور موقت جهت انجام عملیات حفظ صلح در اختیار سازمان قرار دهند. به علاوه، کشور یا کشورهای محل انجام عملیات نیز باید با اجرای عملیات در قلمرو خود موافقت نمایند. مسلماً تمدید عملیات منوط به رضایت کشور شرکت‌کننده در عملیات و کشور محل انجام عملیات است.

بی‌طرفی در عملیات

عملیات حفظ صلح باید به صورت بی‌طرفانه اجرا شود و نیروهای نظامی و غیرنظامی حافظ صلح نباید در قلمروی کشور یا کشورهای محل مأموریت، از این یا آن طرف اختلاف یا درگیری، جانبداری نمایند؛ در غیر این صورت، خود به یک‌طرفه اختلاف یا درگیری تبدیل خواهند شد.

بی‌طرفان بودن عملیات، یکی از اصول بنیادین عملیات حفظ صلح است که نباید تحت هیچ شرایطی بدان خدشه وارد گردد. خدشه به این اصل، کل عملیات را تحت شعاع قرار می‌دهد و به طور کلی عملیات وصف حفظ صلح یا پاسداری از صلح را از دست خواهد داد. یکی از پیام‌های مستقیم بی‌طرفی در عملیات، رعایت اصول عدم مداخله در امور داخلی کشورها مقرر در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد است، زیرا استثنای مقرر در بند یادشده صرفاً محدود به اقدامات قاهرانه پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور است، نه عملیات غیر قاهرانه حفظ صلح، هرچند این عملیات ممکن است طبق فصل هفتم منشور برقرار شده باشد. نمونه بارز خدشه بر اصل بی‌طرفی در عملیات حفظ صلح را می‌توان در عملیات حفظ صلح در کنگو در سال ۱۹۶۰ ملاحظه نمود که تا مدت‌ها بی‌اعتمادی جامعه بین‌المللی را به این‌گونه عملیات به همراه داشت.

وظایف و مأموریت‌ها در عملیات حفظ صلح

مهم‌ترین وظایف و مأموریت‌هایی که تاکنون تحت عنوان «عملیات حفظ صلح» انجام پذیرفته عبارتند از:

(۱) نظارت بر آتش بس، متارکه جنگ و ترک مخاصمه؛

(۲) کنترل مرزها

(۳) عملیات پیشگیرانه

(۴) جداسازی نیروهای نظامی و حائل شدن میان آنها

(۵) توزیع کمک‌های انسان‌دوستانه و نظارت بر آنها

(۶) نظارت بر حسن اجرای موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

(۷) حفظ نظم و امنیت و اجرای قانون داخلی

ضمناً نیروهای نظامی و غیرنظامی حافظ صلح باید همواره در حین انجام وظایف و مأموریت‌ها، موازین حقوق بین‌الملل، مخصوصاً در موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را رعایت نمایند و به اقدامات متخلفانه و مجرمانه - حتی طبق قانون داخلی کشور محل مأموریت - مبادرت ننمایند، در غیر این صورت، دبیر کل یا شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند مصونیت‌ها و مزایای آنها را لغو کرده و آنان را به دست عدالت بسپارد.

مفهوم حقوقی جنگ و حقوق جنگ

در مورد جنگ دو نظریه افراطی وجود دارد: عده‌ای آن را محکوم می‌کنند و عده‌ای دیگر نیز بدون هیچ‌گونه قید و شرطی، از آن تجلیل به عمل می‌آورند. البته نظریه بینابینی نیز مطرح است که به موجب آن، جنگ در برخی حالات مضر، اما لازم و ضروری است.

به رغم نظریات ضد و نقیض مطرح‌شده، امروز جنگ به عنوان یک واقعیت دارای مفهوم حقوقی است.

شناخت مفهوم حقوقی جنگ و حقوق جنگ، مستلزم بررسی این موضوعات است: تعریف جنگ و عناصر سازنده آن؛ مفهوم اقدامات مقابله به مثل مسلحانه؛ و بالاخره حقوق جنگ.

تعریف جنگ و عناصر سازنده آن

در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است که می‌توان آن را از نظر حقوقی چنین تعریف کرد: جنگ به عنوان «ابزار سیاست ملی» مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز و مسلحانه‌ای است که در چارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود (حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه). در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل دیدگاه‌های سیاسی خود بر دیگری است به این ترتیب، عملیات قهرآمیز، مسلحانه وسیله است و هدف آن تحمیل اراده مهاجم است. از تعریف ارائه‌شده بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم حقوقی جنگ شامل چهار عنصر یا رکن اساسی است: عنصر تشکیلاتی و سازمانی که همان کشورها هستند؛ عنصر مادی که همان اعمال قدرت نظامی است؛ عنصر معنوی یا روانشناختی که همان قصد و نیت مبادرت به جنگ است؛ و بالاخره هدفدار بودن جنگ همان منافع و مصالح ملی کشورهای طرف متخاصم است.

بنابراین مخاصمه مسلحانه‌ای که فاقد یکی از ارکان مذکور باشد، از دید حقوقی، جنگ محسوب نمی‌شود. در نتیجه دفاع مشروع یا عملیات نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نمی‌توان جنگ نامید.

مفهوم اقدامات مقابله به مثل مسلحانه

اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، اقدامات جابرانه و زور مدارانه است که ناقض مقررات حقوق بین‌الملل است. این اقدامات که از جانب یک کشور اتخاذ می‌شود پیامد اعمال نامشروع‌ای است که از سوی کشور دیگری علیه وی صورت گرفته است. هدف از این اقدامات، مجبور کردن کشور متخلف به قطع اعمال نامشروع، رعایت حق و جبران خسارات احتمالی است.

اقدامات مقابله به مثل مسلحانه - برخلاف اقدامات مقابله به مثل غیرمسلحانه - ذاتاً اعمال نامشروع هستند، منتها توجیه استثنایی آنها مبنی بر عملی است که پاسخگوی عمل نامشروع پیشین است.

اقدامات مذکور به عنوان نوعی ضمانت اجرای مستقیم یا مجازات در حقوق بین‌الملل کلاسیک است که امروزه نمی‌تواند موردپذیرش باشد. از جمله این اقدامات می‌توان از محاصره دریایی و بمباران دریایی نام برد.

در اقدامات مقابله به مثل مسلحانه - همچون غیرمسلحانه - باید اصل تناسب (نه تشابه) رعایت شود؛ اصلی که به موجب آن باید میان خسارت وارده و عکس‌العمل مربوط تناسبی وجود داشته باشد.

شناسایی مقابله به مثل مسلحانه و اقدامات مبنی بر آن، در واقع معمول ساختن من غیر حق اقدامات زورمدارانه در حقوق بین‌الملل است؛ حقوق بین‌المللی که توسل به زور را ممنوع ساخته است.

متأسفانه امروزه نیز به رغم نامشروع شناختن اقدامات مقابله به مثل مسلحانه و صراحت آن مخصوصاً در اسناد حقوق بشردوستانه، این گونه این گونه اقدامات کمابیش معمول است، از جمله بمباران ویتنام شمالی توسط نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۶۸، به تلافی حملات کشتی‌ها در خلیج تونکن.

در مجموع به رغم اعتراض‌ها و محکومیت‌های اقدامات مقابله به مثل مسلحانه در حقوق بین‌الملل، نمی‌توان پذیرفت که رویه بین‌المللی کشورها به این ممنوعیت تن داده باشد، زیرا هیچ کشوری حاضر نیست در مواجهه با نابودی عناصر حیاتی‌اش از سوی کشور دیگر (از جمله بمباران شهرها)، صرفاً به قواعد حقوقی فاقد ضمانت اجرایی مؤثر و فوری بسنده کند و یا با مراجعه و اعلام شکایت به نهادهایی مانند شورای امنیت در انتظار اتخاذ تصمیم لازم‌الاجرای آن‌ها بماند.

حقوق جنگ

الف: تعریف جنگ: جنگ یک وضعیت خاص و استثنایی در برابر وضعیت صلح است و در نتیجه، قواعد مربوط به آن نیز به نام «حقوق جنگ» قواعدی خاص و استثنایی است.

حقوق جنگ شامل مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر مناسبات متقابل کشورهای متخاصم در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و یا میان کشورهای متخاصم و کشورهای بی‌طرف است. به علاوه حقوق جنگ ناظر بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی - اعم از داخلی و غیره - نیز هست.

ب: ضرورت وجودی حقوق جنگ: برخی دانشمندان و اندیشمندان بین‌المللی معاصر، حقوق جنگ را «حقوق» نمی‌دانند و ضرورت وجود آن را مورد انکار قرار می‌دهند. عمده دلایل آنها مبتنی بر این است که اولاً جنگ یک جنایت و ضد ارزش است، در حالی که حقوق یک ارزش است و در نتیجه، یک ارزش نمی‌تواند و نباید یک مقوله ضد ارزشی مانند جنگ را تحت قاعده درآورد؛ ثانیاً با توجه به ممنوعیت توسل به زور و تحریم جنگ به عنوان یک قاعده آمره، دیگر نباید سخن از قواعدی به میان آورد که توسل به زور را مشروع جلوه دهد.

به رغم مخالفت‌های یادشده، توجه به ضرورت حقوق جنگ اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا واقعیت‌ها خود پاسخگوی مخالفت‌هاست. متأسفانه جنگ به طور قطعی و کامل از صحنه زندگی بین‌المللی رخت بر نبسته است. به راحتی می‌توان پذیرفت که امکان وقوع جنگ در هر لحظه باقی است؛ بنابراین، لازم است حداقل جریان جنگ را تابع مقررات حقوقی نمود و تا آنجا که بتوان خطرات و خسارات ناشی از آن را محدود ساخت. البته با تمام این اوصاف، تضاد موجود میان ممنوعیت جنگ از منظر حقوق بین‌الملل و به عنوان یک اصل را با اجرای مقررات حقوق جنگ نمی‌توان نادیده گرفت.

ج: منابع حقوق جنگ: مهم‌ترین منابع حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه عبارتند از: قواعد عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه؛ عهدنامه‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، شامل عهدنامه ژنو راجع به بهبود وضعیت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح به هنگام لشکرکشی؛ عهدنامه ژنو راجع به بهبود وضعیت مجرمان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا؛ عهدنامه ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی؛ عهدنامه ژنو واجب حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ؛ عهدنامه لاهه در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴؛ پروتکل‌های ژنو مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ به ترتیب مربوط به مخاصمات بین‌المللی و مخاصمات غیر بین‌المللی، الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو؛ و عهدنامه راجع به منع هرگونه استفاده خصمانه نظامی از فنون و تغییر محیط زیست مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۷.

د: حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه: برخی حقوقدانان بین‌المللی که مخالف اصطلاح حقوق جنگ هستند، اصلاح حقوق بشردوستانه را به عنوان جایگزین پیشنهاد می‌نمایند و معتقدند که امروزه دیگر نمی‌توان سخن از حقوق جنگ به میان آورد، بلکه باید حقوق بشردوستانه را مطرح نمود.

در پاسخ باید ابتدا مفهوم حقوق بشردوستانه روشن گردد تا آنگاه تفاوت آن با حقوق جنگ مشخص شود.

حقوق بشردوستانه یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در واقع بخشی از حقوق جنگ به شمار می‌رود و آن مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر زمان جنگ است که عمدتاً جنبه حمایتی دارند؛ حمایت از افراد - اعم نظامی و غیرنظامی - و اموال و اهداف غیرنظامی و الزاماتی که افراد و کشورهای متخاصم در حین نبرد به رعایت حمایت‌های مذکور دارند؛ حال آنکه بخش دیگری از حقوق جنگ به تبیین قواعد مربوط به این موضوعات می‌پردازد: مفهوم جنگ، مفهوم حقوقی اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، آغاز و پایان جنگ، تعیین عرصه مخاصمات، موارد مجاز به استفاده از وسایل و شیوه‌ها و سلاح‌ها در جنگ‌ها، اشغال نظامی (به استثنای قواعد مربوط به حقوق بشردوستانه) و بالاخره بی‌طرفی

بنابراین محدود کردن حقوق جنگ به حقوق بشردوستانه صحیح به نظر نمی‌رسد.

حقوق بین‌الملل محیط زیست

بحث محیط زیست و حقوق محیط زیست اگر چه فی‌نفسه شاخه‌ای از حقوق داخلی است، اما در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و تکنولوژی که باعث به وجود آمدن مسائل زیست محیطی و آلودگی‌های فراوان شده، به مسأله فراملی، فرامرزی و بین‌المللی تبدیل شده است؛ بدین سبب امروزه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست، حوزه نسبتاً نوینی برای مقررات بین‌المللی به شمار می‌آید.

حقوق بین‌الملل محیط زیست مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که هدف از آن حفاظت از محیط زیست است. مسائل و مشکلات زیست محیطی باعث شد که ضرورت تدوین مقررات زیست محیطی در سطح بین‌المللی، بیشتر احساس شود.

اگر بخواهیم تاریخی برای اولین قواعد و مقررات مربوط به محیط زیست در سطح بین‌المللی پیدا کنیم، باید بگوییم، اگر اولین کنوانسیون‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد، اما ریشه‌های واقعی حقوق بین‌الملل محیط زیست را باید در اواخر دهه ۱۹۶۰ و به طور مشخص‌تر، سال ۱۹۶۸ جستجو نمود. در این سال سازمان ملل متحد و دو سازمان منطقه‌ای یعنی شورای اروپا و سازمان وحدت آفریقا اسناد مهمی را به تصویب رساندند که اعلامیه مبارزه با آلودگی هوا مصوب ۱۹۶۸ و منشور اروپایی آب در سال ۱۹۶۸ مصوب شورای اروپا اولین متون مصوب یک سازمان بین‌المللی در خصوص حفاظت از محیط زیست بودند و در سال ۱۹۶۸ کنوانسیون آفریقایی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی تصویب و جانشین کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن شد.

اسناد مرتبط با محیط زیست

از جمله اسناد مرتبط با محیط زیست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی (اعلامیه استکهلم)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۶۸ پیشنهاد تشکیل کنفرانس جهانی در مورد محیط زیست انسانی را تصویب نمود. در این کنفرانس چند سند مهم به تصویب رسید که از جمله آن می‌توان به اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در ۲۶ اصل در جهت حفاظت از محیط زیست و برنامه عمل مشتمل بر ۱۰۹ توصیه در خصوص اقدامات هماهنگ برای مقابله با مشکلات زیست محیطی اشاره کرد. اعلامیه مذکور به اعلامیه استکهلم در مورد محیط زیست هم معروف است.

ب. منشور جهانی طبیعت

گسترش آلودگی‌ها و معضلات زیست محیطی به ویژه در مورد منابع طبیعی باعث شد تدابیری جهت حفظ آن اندیشیده شود. لذا ۱۰ سال بعد از کنفرانس استکهلم، دومین سند مهم بین‌المللی تحت عنوان منشور جهانی طبیعت در زمینه حمایت از محیط زیست در یک مقدمه و ۲۴ ماده در سال ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی رسید. منشور جهانی طبیعت، اصل لازم و ضروری بهبود و تقسیم سیستم حیات را برای رفع نیازهای زیستی و تنوع ارگانیسم حیاتی بیان می‌کند؛ در نتیجه، اصولی از منشور اظهار می‌کند که از طبیعت باید حفاظت شود و توسعه اقتصادی، اجتماعی باید متضمن حفاظت از طبیعت بوده و با اتلاف منابع طبیعی مبارزه شود و نیز مقررات اجرایی باید در راستای این مفاهیم، به طور کامل جهت حفاظت از طبیعت به کار گرفته شود.

ج. اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه (اعلامیه ریو)

بیست سال بعد از کنفرانس استکهلم، سازمان ملل در راستای رفع نارسایی‌ها و کمبودهای موجود و با توجه به مشکلات و شرایط جدید، کنفرانسی را تحت عنوان کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ برگزار نمود.

کارهای مقدماتی این کنفرانس توسط کمیسیون جهانی برای محیط زیست و توسعه انجام گرفت. این کمیسیون در گزارشی تحت عنوان گزارش برانتلند که در سال ۱۹۷۸ به مجمع عمومی تقدیم شد به تشریح وضعیت محیط زیست پرداخت.

در مجموع مسائل عمده مطرح‌شده در این کنفرانس عبارت بود از محافظت از اتمسفر، کنترل آلودگی هوا، حفاظت از تنوع گونه‌ها، دفع صحیح مواد زائد، بهبود کیفیت زندگی، سلامت انسان‌ها، حفاظت از جنگل‌ها و اقیانوس‌ها و بالاخره مسائل مالی جهت مبارزه با آلودگی محیط زیست. اعلامیه ریو مشتمل بر ۲۷ اصل کلی برای تعیین وظایف دولت‌ها در قبال توسعه و محیط زیست است. این اصول به مسائلی چون وظایف کشورها و همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست، نقش حقوق شهروندان، زنان و ساکنان بومی در این رابطه می‌پردازد.

کنفرانس‌های متعدد دیگری نیز در زمینه محیط زیست برگزار شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کنفرانس‌های نیویورک و کیوتو اشاره کرد.

نهادهای مرتبط با محیط زیست

امروزه هزاران نهاد، اعم از جهانی و منطقه‌ای، وابسته به سازمان ملل و غیروابسته به سازمان ملل، دولتی و غیردولتی در زمینه محیط زیست فعالیت دارند که با نهادینه‌شدن موضوع حمایت و حفاظت از محیط زیست، تدوین و توسعه مقررات زیست محیطی و مکانیزم‌های حفظ محیط زیست از طریق این نهادها صورت می‌گیرد. نهادهای مرتبط با محیط زیست همانگونه که اشاره گردید دارای تقسیم‌بندی‌های فراوانی است و از جهات مختلف می‌توان آنها را دسته‌بندی نمود. از جمله این نهادها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. برنامه محیط زیست ملل متحد

برنامه محیط زیست ملل متحد که به اختصار یونپ نامیده می‌شود توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ به وجود آمد. تاسیس این نهاد به این دلیل بود که فعالیت‌های دیگر نهادهای سازمان ملل را که به نوعی با محیط زیست در ارتباط بودند، هماهنگ سازد و توجه به امور زیست محیطی را نیز در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد. عمده فعالیت‌های یونپ در این زمینه می‌باشد:

- رشد آگاهی سیاسی از معضلات زیست محیطی
- کمک به جمع آوری آرای علمی در زمینه معضلات زیست محیطی و نحوه مقابله با آن و برقراری نوعی اجماع بین‌المللی میان این آرا.
- تسهیل برگزاری مذاکرات به خصوص در زمینه محافظت از محیط زیست دریاها و لایه اُزن.
- افزایش توانمندی کشورها برای اداره بهتر محیط زیست.
- ب. کمیسیون توسعه پایدار

- بیست سال پس از تشکیل یونپ، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۲ قطعنامه مربوط به تشکیل کمیسیون توسعه پایدار را تصویب نمود. اهداف این کمیسیون عبارتند از: کنترل و نظارت بر پیشرفت های حاصله در اعمال و اجرای طرح اقدام برای قرن ۲۱، نظم بخشیدن به اهداف مربوط به محیط زیست و توسعه در کلیت نظام ملل متحد از طریق تجزیه تحلیل گزارش های ارائه شده از سوی تمامی نهادها، سازمان ها و تأسیسات ملل متحد. از نظر تشکیلاتی این کمیسیون در حکم یکی از ارکان فرعی شورای اقتصادی، اجتماعی است.

- ج. نهادهای دیگر

- به غیر از یونپ و کمیسیون توسعه پایدار، نهادهای دیگری هم درگیر مسائل محیط زیست هستند که برای نمونه می توان به سازمان کشتیرانی بین المللی که به سازمان بین المللی دریایی نیز مشهور است، نام برد. این سازمان علاوه بر وظایف دیگری که دارد، مسئولیت مبارزه با آلودگی محیط زیست ناشی از کشتی ها را نیز بر عهده دارد. علاوه بر ایمو سازمان های دیگری نیز هستند که صلاحیت های زیست محیطی دارند مانند سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، آژانس بین المللی انرژی اتمی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، سازمان بین المللی کار و این نهادها علاوه بر این که خود، وظایف و مسئولیت هایی را در مورد محیط زیست بر عهده دارند، همکاری های مشترکی هم در قالب نمایندگی مشترک دارند. امروزه علاوه بر نهادهای جهانی، نهادهای منطقه ای فراوانی نیز در موضوعات مختلف زیست محیطی فعالیت دارند، به جز موارد فوق، هزاران سازمان و گروه غیردولتی نیز نقش فعالی در زمینه مسائل محیط زیست دارند که در بین انجمن ها و نهادهای غیردولتی اتحادیه بین المللی برای حفاظت از طبیعت و منابع آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس پرتِ متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته هایم با دیگران علاقه ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می کنم تا روش هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده نویسی» و «به کار بردن مثال های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»



از حضرت امیر (ع) نقل است: «خطوط را نزدیک به هم بنویسید، عبارت های اضافی را حذف و اصل سخن را مورد توجه قرار دهید؛ بهره یزید از زیاده روی و مصرف بیش از حد که اموال مسلمانان، تحمل ضرر و زیان را ندارد»؛ انتخاب قلم، چینش و آماده سازی این جزوه با هدف استفاده و صرفه جویی حداکثری از کاغذ انجام شده؛ امید داریم چنانچه احتمالاً از سهولت استفاده از مجموعه کاسته شده، خوانندگان عزیز من را ببخشند و همچنین شایان ذکر است که: اگر با موارد سهو قلم و یا خطاهای دیگر که ما از آن غافل مانده ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com یا واتساپ ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ با ما در میان بگذارید. در نگارش این جزوه از کتاب آقای ضیایی بیگدلی و مهدی فیروزی استفاده شده است. به روزرسانی: اسفند ۱۳۹۹ **اینستاگرام نویسنده :**

 **omid_mollakarimi**

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشد. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاقی سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!؛ یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ماشین بخری، اول برو به جاسوییچی برای ماشینی که توو روباته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول به کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونم با نگهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با به جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا بیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره همراه ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتساپ بدهید و جزوات رایگان آزمون‌های حقوقی را از من بخواهید تا به رایگان برایتان بفرستم!

دهها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایت www.mollakarimi.ir بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی‌دی‌اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتساپ کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می‌شه مطلع‌تون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلمان (فاطمه بینازاده و امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد. در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com بیان فرمایند.